

مصوبات پیلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

- ★ طرح استراتژی و فاکتیک سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برای انقلاب ملی و دمکراتیک ایران
- ★ گزارش هیأت سیاسی درباره فعالیت سازمان در میان دو پیلنوم
- ★ قطعنامه درباره وظایف مبارزه در راه وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران
- ★ قطعنامه درباره تدارک کنگره سازمان فدائیان خلق ایران ★ پیام به کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

در صفحات ۶۵ و ۶۷ و ۸۵

اقتصاد جنگ زده

امروز هم اسلحه بدوش بی گیرند و هم اسلحه خواهند ساخت (اطلاعات ۱۱ خرداد) این سیاست اقتصادی خائسانه، شیرازه اقتصاد بیما رتولیدات ناتوان کشور را از هم گسسته است. تولیدات و بویژه تولیدات صنعتی کشور در ساقط شده اند. مطابق گزارش بانک مرکزی در مورد کارگاه های بزرگ صنعتی که در کیهان ۴ خرداد به چاپ رسیده است. تولیدات کارگاه های بزرگ صنعتی در ۹ ماهه اول سال ۱۳۶۴ نسبت به دوره مشابه سال قبل ۴/۵ درصد کاهش یافته است. این کاهش در صنایع "تولید ماشین آلات، محصولات و وسایل فلزی" که استخوان بندی صنایع را تشکیل می دهند، به رقم قاعده ۱۳/۵ درصد رسیده است. روشن است که این آمار و ارقام از واقعیت بسیار رند و راست و قاعده بسیار سنگین تر از آن چیزی است که کمیته حکومتیان اعتراف می کنند.

کاهش تولیدات صنعتی، از یک سو نتیجه ختم شدن بخش بزرگتری از صنایع به تولید و ساقط شدن بخش است و از سوی دیگر نتیجه اعمال محدودیت های روز افزون ارزی به صنایع و تخصیص هر چه بیشتر ارز به جنگ است.

بحران مالی رژیم که بر اثر سقوط شدید قیمت های نفت نتایج باقی بمانده گرفته است. عامل عمده افت و پراکنندگی در تولیدات صنعتی است. اخیراً آقا زاده وزیر نفت رژیم در ماه مه مطبوعاتی، و از دیوتلوژیون، اعلام کرد در آمار ارزی دولت در سال جاری بیش از ۸ تا ۹ میلیارد دلار نخواهد بود. این رقم نصف مبلغ پیش بینی شده در بودجه ۶۵ است. علیرغم واقعیت فوق، رژیم قصد دارد کوچکترین تجدیدنظری در ارز تخصیصی به امور جنگ صورت دهد. محدودیت های هم در زمینه تولیدات غیر جنگی، طرح های عمرانی، هزینه های جاری و غیره است. این سیاست ویرانگر که قبلاً از طرف نخست وزیر و سایر صنایع سنگین رژیم اعلام شده بود، توسط وزیر نفت نیز مجدداً مورد تأکید قرار گرفت. وی گفت بنا به تصمیم کمیسیون تخصصی ارز، هیچگونه تغییری در میزان سهمیه ارزی جنگ داده نخواهد شد و در عوض در عرصه تخصیص ارزی تولیدات محدودیت های جدی اعمال خواهد شد.

چندی پیش مرکز آمار ایران فاش ساخت که ۹۶٪ بقیه در صفحه ۱۱

بحران، تمام رشته های حیات اقتصادی کشور را تحت تأثیر قرار داده و داماد ابعاد فاجعه بارتری می گیرد. این بحران که ریشه اش در مناسبات غارتگرانه سرمایه داری و وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم است، بر اثر سیاست های ارتجاعی رژیم در جهت حفظ این نظام، دفاع آن از جیب اول سرمایه داران و ادامه جنگ ارتجاعی به یک بحران خانه برانداز بدل شده است. جنگ، عامل عمده تشدید این بحران است. رژیم ضد خلقی و جناحیتکار خمینی، برای تأمین مخارج عظیم اداره جنگ، اقتصاد، صنایع، تولیدات و همه شروتهای کشور را بطور کامل در خدمت جنگ قرار داده است. مسوول نخست وزیر خمینی روز ۱۲ خرداد اعلام داشت که: "امروزاً قتماً کشور بطور کامل در خدمت و متاثر از جنگ است" رژیم برای پیش بردن سیاست و ادامه جنگ و خونریزی، تقریباً تمام طرح های صنعتی و عمرانی را متوقف کرده و نقشه های وسیعی برای قرارداد همه صنایع کشور به خدمت جنگ اختصاص بخش اعظم ارز به مصرف جنگی و کسینل نیروی کار کشور به جهت تدارک دیده است. محسن فریابی فرمانده سپاه، در یک مصاحبه مطبوعاتی گوشه های از این تدارکات گسترده را فاش ساخت و از جمله اعلام کرد: "تمام کارخانه های که تا دیروز فقط در جبهه های تولید و اقتصاد حضور داشتند

از مبارزه یزشکان حمایت کنیم

دولت میرحسین موسوی پس از مدتها کشمکش، چندی پیش "سازمان نظام پزشکی ایران" را خود سرانه منحل و دکتر منافی و وزیر سابق بهداشت و دیگر افرادی خود را در این تشکیلات قرار داد. رژیم جمهوری اسلامی با تاج و زشکار به حریم طبابت با دیگر سیمای قدرمدنی و زشت خود را به نامش گذاشته است. دخالت ارگانهای جاسوسی و سرکوب رژیم در سازمان نظام پزشکی و اعمال فشار بر جامعه پزشکیان خشم و نفرت هموطنان ما را برانگیخته است. "سازمان نظام پزشکی" از همان سالهای نخست پس از انقلاب مورد مخالفت دولت جمهوری اسلامی بوده است. دولت تلاش فراوانی بعمل آورد تا نظام پزشکی را تحت نظارت مستقیم وزارت بهداشت درآورد تا از این طریق استقلال عمل این ارگسان را که با سخگوی برخی مسائل صنفی پزشکیان کشور بود، محدود کرده و در واقعاً تحت کنترل خود گیرد. در این راستا بوده که دولت از طریق مختلف از جمله اعمال برخی مقررات تشبیهی و اعزام اجباری پزشکیان و دستار آن و سایر پرسنل پزشکی به جبهه های جنگ و اعمال نظرو دخالت در انتخابات "نظام پزشکی" و بسیاری فعالیت های تخریبی مشابه به دخالت های بیجا خود در امور پزشکی کشور ادامه داد که موجب مخالفت و اعتراض بخش کثیری از پزشکیان گردید.

این روزها دولت با انحلال "سازمان نظام پزشکی" و کسینل او با شان و چنان قدر آن به محصل کار و فعالیت پزشکیان و اذیت و آزار و دستگیری عده ای از فعالین جامعه پزشکی که مخالفت و اعتراض خود را بویژه در زمینه های زیر عنوان کرده اند، بقیه در صفحه ۳

"تکلیف شرعی" برای قتل عام مردم

جنگ چهره کشف و فکبشیری خود را بیشتر از هر زمان نمایان ساخته است. از وقتی که خمینی جناحیتکار و نترانی ۴ فروردین خود، شرکت در جنگ را "تکلیف شرعی" اعلام کرد و مسئولان رژیم، سال جدیداً "سال پیروزی" خواندند، سایشوم مرگ و نیستی بیرحمانه تر از همیشه میهن ما را فرا گرفته است. رژیم خمینی با حمله جناحیتکارانه اخیر خود بنام "کربلا - ۲ و ۱" گروه کثیری دیگری را قربان و جوانان میهن ما را به خاک و خون کشیده است. حملات هوایی در رژیم به شهرها و مراکز اقتصادی دوباره شدت یافته و تلفات و فزایعات تازه ای را برجای نهاده است.

رژیم برای پیش بردن اهداف جناحیتکارانه اش بیش از پیش به کسینل دسته جمعی مردم به جبهه ها روی آورده است تا از این طریق بن بست جنگ را بشکند. هدف اعلام شده رژیم چنین است: همه مردم باید به جبهه بروند. رضایی فرمانده سپاه "ولایت فقیه" تنها راه باقی مانده مقابل رژیم را چنین اعلام کرد: "تنها راهی که امروز در برابر آن است که از جنگ مقاومت تبدیل به یک جنگ بزرگ و یک جنگ وسیع تری بشود... و یک جنگ مردمی (۱) تمام میسر را باستی برنا هم ریزی کنیم." (روزنامه ماه - ۱۰ خرداد) وی بی شرمانه اعلام کرد: "اعمال ده برابری بیشتر از سال گذشته نیرو به جبهه ها اعزام می شود و مجموعاً بیش از یک میلیون نفر در سال جاری عازم جبهه ها خواهند شد." برای تأمین این نیروی عظیم رژیم فشار بر مردم را افزایش داده است. مقررات و بخشنامه ها و دستورالعمل های بی دردی در جهت اجبار مردم به شرکت در جبهه ها مادی می شود. رژیم مستقیماً به زور تهدید متوسل شده است. رفینجانی لته فرما تدهان سپاه گفت: "تکلیف است که همه فرمودند و استثناء هم ندا رده همه مکلف هستند... یعنی همه آنها باید بیایدند (به جنگ)" (روزنامه - ۱۳ خرداد). بر اساس این "تکلیف" جلا دجاران، نخست وزیر خمینی بخشنامه داده است که باید ۲۰٪ از نیروی انسانی و وزارتخانه ها، ادارات و کارخانجات به جبهه ها اعزام شوند. فشارهای روانی و مسادی و تهدیدهای آشکار بر کارگران و کارمندان تشدید بقیه در صفحه ۲

پیامدهای استقرار رهبری مجاهدین در عراق

نخستین دستاورد آشتی و زدوبند رژیم ایران با دولت فرانسه، اجرای یک رشته تشبیهات شدید علیه نیروهای مترقی مخالف حکومت خمینی در فرانسه بود. روی کار آمدن ژاک شیراک و تقویت مواضع راستگرایان در دولت فرانسه، زمینه را برای آشتی فوری این دولت با رژیم خمینی و تشدید فشار بر نیروهای مترقی مخالف آن در فرانسه فراهم آورد. تشبیهات دولت فرانسه علیه نیروهای مترقی میهن ما جزایران در همه عرصه ها جریان می یابد و شامل همه نیروهای ترقیخواه و مبارز می گردد. راستگرایان فداکاری در فرانسه، اساساً در مدتی که همسایه "خارجی" های زحمتکش و مترقی، و مبارزان آزادیخواه زودتیا و فرانسه اخراج کنند.

روشن است که این فشارها تنها مربوط به روی کار آمدن امثال شیراک نیست، بلکه شامل همه دولت های درخود سیستم امپریالیستی نهفته است. دولت های امپریالیستی همواره تلاش می کنند تا ازینا هندگی بقیه در صفحه ۹

در این شماره

- ★ درگذشت رفیق له دوان، ... در صفحه ۱۲
- ★ بیاد رفیق مرتقی میثی در صفحه ۱۲
- ★ شرکت هیأت نمایندگی سازمان در کنگره حزب توده ای انقلابی مغولستان در صفحه ۱۰
- ★ آخرین تداوم مبارزه علیه صلح در صفحه ۱۲
- ★ کار سازمانگران در میان زنان در صفحه ۹
- ★ مبارزه کارگران علیه اعزام به جبهه در صفحه ۱۱
- ★ ورزش در رژیم آخوندها در صفحه ۲

درگرامیداشت هشتادمین سالگرد انقلاب مشروطیت

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

از سیزدهم تیرماه سال ، جشنواره ورزشی برشکوهی در مسکوپا یخچت اتحاد شوروی برگزار شد . این جشنواره که قزاقستان هر ۳ سال یکبار برگزار کرد ، به نشانه دوستی خلقها ، بازیهای " حسن نیت " نامیده شده است . در بازیهای امسال بیش از ۱۸۰ کشور از ۱۸۰ قاره جهان شرکت داشتند و در رشته ورزشی با هم مصاف دادند . در این مسابقات ورزشکاران ، آخرین پیشرفت های فن و تکنیک در ورزش را به نمایش گذارند . در جریان بازیها ۶ رکورد جهانی و بیسی از ۹۰ رکورد ملی شکسته شد . در پایان بازیها ورزشکاران اتحاد جماهیر شوروی با بدست آوردن بیشترین پیروزی و مدال اول شدند و ورزشکاران آمریکا بی دوم قرار گرفتند . روز اول مردانه نخستین دوره مسابقات بسکتبال شارهایی نظیر " زدوستی در ورزش به سوی صلح در زمین " در میان مراسم باشکوهی پایان یافت . دوره بعدی این بازیها در سال ۱۹۹۰ در آمریکا برگزار خواهد شد .

جای ورزشکاران میهن ما در این میدان معتبر و جهان ، ورزش ، نیزهما نشناخ ما جهان ، فوتبالیال مکترب خالی نبود ، اکنون مدنیتهاست که ورزشکاران ایرانی بدلیل سیاستهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی از حضور در میدانهای بزرگ ورزشی جهان محروم شده اند . بر اثر این سیاستها ، ورزش ایران که در گذشته از هیچندادن دوره همت و ورزشکاران نهرمان و زحمتکش میهنمان از افتخارات بسکیاری کسب کرده بود ، امروز در شرف نابودی قرار گرفته است . ورزش ایران در جمهوری اسلامی نه تنها در سطح جهان ، بلکه در سطح آسیا نیز در ضعیف ترین وافتاد ترین موقعیت خود قرار گرفته است .

رژیم جمهوری اسلامی به حکمایدنولوژی ، اهداف و سیاستهای ارتجاعی از دشمن ورزش و فعالیتهای ورزشی است . این رژیم ورزش را تا اندازه ای مجاز می داند که در خدمت اهداف جنا پیکار نه اش ، یعنی "مدور انقلاب " ، نمایش عکسهای قدونیم قدیمینسی و " ما دنگ ، های رژیم " ، برای جنگ و خونریزی قرار گیرد . خارج از این چارچوب هیچ چیز را مجاز ندانسته و به اشکال مختلف در جهت جلوگیری و تخریب فعالیتهای ورزشی واقعی بر می آید . نتایجهای ورزشی کشورتاما در خدمت اهداف ارتجاعی فوق است . دستگاه تربیت بدنی در اختیار رژیم مزدور شوروی ، بی ملاحظیت و آلت دست ارتجاع است . مواضع نظران واقعی و دلسوزان در خدمت شما نامتفیس شده اند . معیارهایی که بر ورزش ایران حاکم شده است ، به راستی در تمام جهان نمونه است .

بسر راه شرکت ورزشکاران ایران در مسابقات خارجی بهیبهانه جنگ و نبود بودجه و دلایل ارتجاعی مشابه موانع متعددی ایجاد شده است . هرچنانیز که رژیم تحت فشار ورزشکاران و جامعه ورزشی ، ایران موافقت می کند تنها به رایه خارج اعزام کند ، برای انتخاب ورزشکاران تیم های ملی ، قبل از هر چیز وحشی قابلیت های ورزشی " معیارهای ایدئولوژیک " و " مکتبی " را اساس قرار می دهد .

ورزش در رژیم آخوندها

زیرا هدف رژیم از شرکت ورزشکاران ایرانی در میدانهای بین المللی رقابت های سالم ورزشی نیست ، بلکه "ظهور انقلاب" است . تیم های ورزشی ایران راهواره مثنی آخوندو " مکتبی " عقب مانده و عقده های همراهی می کنند که ورزشکاران را مجبور به اعمال ناشایسته ای می کنند که به رسوا یی و ورزش و کشور ایران در سطح جهان انجامیده است . از آخرین نتایج های این رسوایی ها ، اعمال ارتجاعی بود که به تحریک این آخوندهای " هواء " در جریان مسابقات با شرکت در ماجرا رستان صورت گرفت و منحصر به اخطا ز رفتار سیون جهان کشتی ، به کمیته المپیک ایران شد .

با شاگها و تیم ها و محافل ورزشی نیز از این سیاست ارتجاعی مصون نمانده اند ، با شاگها عریض تاخت و تا زعمال " ولایت فقیه " شده اند ، ورزشکارانی را که به معیارهای ارتجاعی تسلیم نمی شوند ، به اشکال مختلف تحت فشار قرار می دهند و شاگها حتی یک تیم یا شاگها کامل مورد " غضب " مسئولان ورزشی حکومت قرار می گیرد و به تاح مختلف برای آن ایجاد مانع و فشار و محدودیت می کنند . از ورزش زنان کشور دیگر چیزی باقی نمانده است . رژیم زن ستیز خمینی ، بیشترین کینه حیوانی خود را نسبت به ورزش زنان آشکارا شده است . بسیاری از رشته های ورزشی زنان رسوا تعطیل شده است و در مورد رشته های معدودی باقی مانده هم محدودیت های فوق العاده ای اعمال می شود . زنان ورزشکار حتی در هنگام مسابقاته ملزم به رعایت " حجاب اسلامی " هستند ، مشتاقان ورزش را به " حرم مرد بودن " ارتجاعی مسابقات ورزشی زنان محروم کرده اند . نتایج مسابقات زنان در سالهای گروهي بازتاب نمی یابد . در ۷ سال حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی ، حتی یک تیم ورزشی زنان

ایران در هیچکدام از مسابقات خارجی حضور نیافتند است . چندی پیش مسئولان ورزشی رژیم قول دادند که ورزشکاران زن را نیز به مسابقات خارجی اعزام کنند ، اما بهیبهای مسابقه دادن ، بلکه بهیبهای "مدور انقلاب" و رشادورژنگاران را با یک کشورها " ورزش در میان جوانان نیز با دشمنی کینه توزاننده رژیم خمینی مواجه است . سال گذشته مسئولان ورزش از مدارس ابتدا بی حذف شد . در مدارس به جای ورزش ، دانش آموزان را به تمرینات جنگی نظیر کلاغ پیروسیه خیز رفتن و تمرین عبور از " میا بدین مین " مجبور می کنند . تشکیل تیم های ورزشی در دانشگاهها با واکنش سرکوبگرانه رژیم مواجه است . رژیم به زور سرنیزه پاسداران جلوی ورزش محلات و تشکیل تیم های ورزشی محله را می گیرد . آری ، این رژیم دشمن ورزش و ورزشکاران است . رژیم خمینی ، گسترش ورزش در سطح جامعه را برخلاف مصالح و منافع خود می داند . مسئولین رژیم معتقدند و تا این اعتقاد را بارها اعلام کرده اند که پیدا ختن جوانان به ورزش آنها را از جنگ و خرافاتی که رژیم می خواهد در مغز آنها فرو کند ، بازمی دارد . از نظر رژیم آخوندها ، جوانان با بدعتی در کج مساجد و حوزه های علمیه و مراسم مذهبی ، خرافاتی شسته شده ، در ساله های کف با راه از برکنند ، " خزکی " شوند و در جنبه های جنگ بغا طرافد جنا پیکارانه رژیم بکشند و کشته شوند . استقبال روزافزون جوانان از مسابقات ورزشی و خالی شدن بیش از نیمی از مراکز تجمع و سایر مراکز دولتی ، خشم و وحشت رژیم را برانگیخته است . از این روست که با همه توان می کوشد ورزش را هر چه بیشتر محدود کرده و از رونق بیاندازد .

این سیاستهای ارتجاعی خشم و نفرت جوانان و ورزشکاران ایرانی را برانگیخته و آنان را بیش از پیش رو در روی این رژیم جنگ خوار داده است و ورزش ایران عمیقاً با سیاست و مصالحت و مبارزه علیه رژیم " ولایت فقیه " پیوند خورده است . با بدعتی این عرصه مهم مبارزه بطور جدی توجه گردید و با دفاع از حقوق و خواسته های ورزشکاران و ورزش دوستان با نشان دادن پیشرفت های عظیم ورزشی جهان و مقایسه موفقیت های بزرگ کشورهای سوسیالیستی در این زمینه ها با روش تاسف بار ورزش در کشور ما ، با افشای همه جا به سیاستهای فدورژنگاری رژیم و نشان دادن رابطه این سیاستها با ماهیت ارتجاعی رژیم نیروی عظیم جوانان و ورزش دوستان کنورزای بیش از پیش به عرصه مبارزه فعالانه علیه رژیم تبهکار خمینی جلب کرد .

خواست مردم ما و عرصه مشترک مبارزه همه مردم است . نقش اصلی را در این مبارزه طبقه کارگر ایران برعهده دارد . مبارزه متحدانه و متشکل کارگران می تواند تولیدات نظامی ، تدارکات جنگی و صنایعی را که در رابطه با جنبه ها کار می کنند ، فلج ساخته ، ماشین جنگی رژیم را از کار بریناندازد و بزرگترین ضربت را به رژیم فخری فخری و فخری و فخری وارد سازد . وظیفه هر عنصر آگاهی است که ضمن تشدید فعالیت ملح طلبانه در میان همه اقشار مردم ، پشتیبانی ، هدایت و سازماندهی هر اعتراض و هر حرکتی علیه جنگ و کوشش در جهت ارتقاء این حرکات به یک جنبش سراسری و همگانی ضد جنگ ، طبقه کارگر در میان مبارزه با طرحها و بیش از پیش مرکز فعالیت انقلابی خود قرار دهد . تشدید فعالیت انقلابی در این زمینه ، آشکارا ختن را رابطه جنگ ارتجاعی با همه فلاکتها و فقر وسیع روزی امروز کارگران و کوشش در جهت برقراری پیوند میان مبارزات طبقه کارگر و مبارزه در راه صلح ، وظیفه ای بسیار مهم و خطیر است که هم در تقویت جنبش صلح و هم در ارتقاء مبارزه طبقه کارگر و افزایش سهم و نقش آن در کل جنبش تا شرف قطعی دارد .

بسیج طبقه کارگر در جهت صلح ، هدایت و سازماندهی مبارزات سراسری ، مسئولان جوانان و مبارزات سراسری ، عدم شرکت در جنگ و دعوت آنان به گسترش مبارزه ، تشدید تبلیغات و مبارزه فداکارانه و بیگیر در راه صلح در میان همه اقشار مردم ایران و سازماندهی دهها و دهها اعتراض کوچک و بزرگ که هر روز در گوشه گوشه کشور علیه جنگ ارتجاعی اتفاق می افتد ، وظیفه مهم و بسیار مهم است . انقلابیون است . با ایدبرای کارگران و همه مردم آشکارا ساخته فقط مبارزه متشکل ، سراسری و سازمان یافته علیه جنگ و رژیم جلا فخری قادر است به کشتار و در بدری و فقر و فلاکت همگانی پایان دهد و کشور را از خطر ویرانی نجات بخشد و صلح را به میهن ما بازگرداند .

با جمع آوری کمک های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید .

و کمیانیهای اسلحه سازی سراسری می یابد . در ملیا در شروتهای ملی و حاصل دسترنج مردم و زحمتکش میهن ما را بر باد می دهد . چندی پیش رسوایی جریان معامله عظیم ۲/۵ میلیارد دلار سلاحهای آمریکایی بین رژیم و شبکه های قاچاق اسراشلی ازبکرده بیرون افتاد . رژیم جنایتکار خمینی تهدید کرده بود تنها ۵۰۰ میلیون دلار به قاچاقچیان بپردازد .

اما همه این میالغ عظیم برای تامین مخارج جنگی کافی نیست و آخوندهای حاکم روز به روز بیشتر به غارت مستقیم و آشکار مردم می پردازند . رفسنجانی در نماز جماعت روز قدس با وقاحتی در شان دست پروردگان خمینی ، مقصد رژیم برای خالی کردن تنجیب مردم را فاش کرد و گفت : تکلیف شرعی امام " به اموال همملقی می گیرد و باید همه هر چه دارند را ولایت اول در اختیار جنگ قرار دهند .

رژیم " ولایت فقیه " با آزمندی و اشتیاق سیری ناپذیر از مردم خون و پول می طلبد . برای چه گمراهی ادا به جنگی که جز کشتار و بدبختی مردم و ویرانی ادا و پروردگان کیسه احتکارات امپریالیستی و دلالت اسلحه هیچ نتیجه ای ندارد . هر روز ادا به جنگ یعنی کشتار بیشتر ، گرسنگی ، گرانی ، فقر و فلاکت همگانی ، آوارگی ، ویرانی شهرها و روستاها و صنایع کشور ، نابودی ثروتها و ملی ، تشدید اختناق و سرکوب و دیکتاتور و وابستگی بیشتر کشور به امپریالیستها . اما رژیم " ولایت فقیه " بهیچ رو نمی خواهد از اهداف جنا پیکارانه خود دست بردارد . و به این جنگ ارتجاعی که میهن ما را به سوی نابودی سوق می دهد ، دست بردارد . این جنگ در عین حال با طاقی است که رژیم هر روز بیشتر در آن فرو می رود . کشتارهای عمومی ، جبرانیهای دامن گسترش سیاسی آزاد ما به جنگ ، و سرکوب و دیکتاتور فزاینده ، زمینهای است انفجار رشم مردم را بیش از پیش فراهم ساخته است . رژیم به سیاست شریط و افواست و از این رو با همه نیرو در صدد کسب پیروزی سریع در جنبه ها برآمده است .

کشتار و ویرانی حاصل از جنگی که خمینی جنایتکارانه بر آن پای می فشارد ، چنان آشکار شده است که امروزه مردم با خشم و نفرت از محکوم می کنند و با آن به مبارزه برخاسته اند . توسل رژیم به سیاست تهدید و سرکوب و اجبار برای پس گرفتن جبهه ها ، بزرگترین نشانه آن است که رژیم در پیشبرد سیاست جنگ طلبانه خود روز به روز بیشتر منزوی شده و با مقاصد گسترده تری روبرو می شود . صلح به مردم ترین

"تهدید می یابی... بقیه از صفحه اول شده است . بگویی و ببیند جوانان و سرباز گیسوری بنحویس سابقه ای گسترش یافته است . سردمداران رژیم خود سانه ۴ ماه به خدمت سربازی افزوده اند . مدت اقامت بسیجی ها را در جبهه افزایش داده اند . انواع محرومیت های اجتماعی ، زندان و محاکمات محارمی برای نقابده با مسئولین و سربازان فزونی تدارک دیده اند . رئیس مجلس فخری به هم عمل رژیم دستور داده است که : " با این لایحه جدیدی که گذشته (مجازات و شمولین فزوری) با بدبخت کار را محکم بگیرد ، سخت گیری کنید و از اندام سربازی شهربانی و کمیته ها و بسیج و سپاه همه در این راه همکاری کنند . " رژیم تبلیغات گسترده و جنایتکارانه و توسل به اقدامات سرکوبگرانه ای را بیگن دانست و با ادا نش آموزان پیش می برد . وزیر آموزش و پرورش اعلام کرده است که در سال گذشته ۱۰۰ هزار دانش آموز ۲۰ هزار فرهنگی درجبهه های جنگ بوده اند . وی برای فرستادن ۵۰۰ هزار دانش آموز به جبهه ها اعلام آمادگی کرده است . عمل رژیم در ادا نشاگها شریطی چندینا ه گذشته فشا ربی سابقه ای از برداشتن جوانان و ارداد و رده اند ، شرکت درجبهه های جنگ و زورتن آموزشی دانشجویان محسوب شده و اعزام به جبهه را عملاً برای آنها اجباری ساخته اند . اکنون بتدریج اجساد پاره دانشجویان را به سینه دانشگاهها بازمی گردانند .

در کنار بسیج مردم برای کشتار عمومی ، همه امکانات کشور در خدمت جنگ قرار گرفته است " شورای عالی پشتیبانی جنگی " با حضور با آخرین مقامات رژیم خمینی تشکیل شده و ستادهای پشتیبانی جنگ در همه استانها ، در تمام مراکز صنعتی ، ادارای و آموزشی کشور برپا شده است . کار این ستادهای قرار دادن همه امکانات کشور در خدمت جنگ است . نخست وزیر خمینی در کپین ۱۰ خرداد اذتعارف کرد : " امروز اقتصا دگشور بطور کامل در خدمت جنگ و متا شرا ز جنگ است و حدود یک سوم بودجه کل کشور در اختیار سیستم جنگ است . " رژیم که در بحران و خیم مالی قرار دارد و در حاضریه کوچکترین تجدید نظر در بودجه های سرسام آور جنگ نیست ، هر روز بیشتر فعالیت های صنعتی ، کشاورزی ، عمرانی ، خدماتی ، رفاهی و فرهنگی را به نفع جنگ محدود و تعطیل می کند . بنا به اعتراف سردمداران رژیم هم اکنون تنها در تهران ۲۰۰۰ کارخانه ، یعنی یک چهارم تمام کارخانه های تهران ، هم با بخشی از تولید خود را به تهیه لوازم جنگی اختصاص داده اند . رژیم با بحراج خاشتا نه نفت منابع عظیمی را به جیب انحصارات

هفتمین سالگرد ۲۸ مرداد خمینی

۲۸ مرداد ماه امسال حمله سپاهیان خمینی به کردستان و اردشهرتین سال می شود. رژیم خمینی با کین شوری ملی و مذهبی به مردم کردستان که برای حقوق ملی خویش و آزادی و رها بی از قیدستم به مبارزه برخاستند، هجوم آورد و در مرگ بر شهربانان و روستاهای کردستان با شد. طی این مدت هزاران نفر از مردم محروم و زجر کشیده کردستان به خون کشیده شدند و بسیاری از شهرها و روستاها ویران گشتند. اما جمهوری اسلامی علیرغم این اقدامها با یکه و استعمارچندین لشکر در کردستان به هدف خویش برای خاموش کردن جنبش خلق کردها دست نیافت و مبارزه و مقاومت خلق کرد ادامه یافت.

برای رژیم خمینی خاموش کردن شعله های نبرد ادامه خلق کردهای مهم، در خدمت تثبیت حاکمیت ارتجاعی فقها بود. سران جمهوری اسلامی کوشیدند تا با سرکوب خلق کرد مبارزه استقلال طلبانه و آزادیخواهانه در سرانگشورا سرکوب کنند، اما هجوم گسترده لشکریان خمینی به کردستان که بسیار فرمان ۲۸ مرداد خمینی برای " قلع و قمع اشرار " آغاز شد، با مقاومت قاطع خلق کرد نیروهای انقلابی و دموکراتیک در کردستان مواج گردید و به اهداف خود دست نیافت. رژیم به نقشه خود منسی سرکوب سریع مبارزه خلق کرد را شکست خورده است اجباراً به ما شور دیگری دست زد. در شرایطی که خمینی بدنبال تسخیر سفارت می کوشید تا خود را در آسایش مبارزه فدا میریالیستی مردم قرار دهد و شور و شوق خود را به خدمت تثبیت حکومت فقها در آورد، اجباراً در رابطه با جنبش ملی خلق کرد، نبردست به ما نورهایی زد. رژیم فریبکارانه به مردم کردستان وعده داد تا خواستهای آنها را متحقق کند. خمینی بدین منظور هیاتی برای مذاکره با پیرامون مسائل کردستان به منطقه اعزام داشت. هیات اعزامی حکومت به کردستان بی چاره رساند مذاکره با هیات نمایندگی خلق کردها ائتلاف وقت پرداخت، وطنی این مدت رژیم به تدارک برای یوشی همه جانبه به کردستان مشغول بود. با نتایج مذاکرات در اسفند ماه ۵۸ آتش جنگ تحمیلی به خلق کرد، ابتدا در کامیاران و سپس در شمال کردستان شعله ور گردید و بتدریج به یک جنگ خویش و سازاری علیه خلق کرد مبدل شد، جنگی که هفت سال است بی امان ادامه دارد.

خمینی در اوضاع و احوالی که توده های مردم در تنگنای مبارزه ای خاد علیه آمریکا بودند، فریبکارانه کوشید تا با شامرک بر آمریکا به سرکوب جنبش ملی خلق کرد پردازد. و با سوء استفاده از اعتماد و تکیه بر آگاهی این جنبش را در راه مبارزه استقلال طلبانه و آزادیخواهانه آنها قلمداد کند. اما به میزانی که مردم به مقاصد رهبران خائض جمهوری اسلامی بی بردند، دفاع آنها از استقلال سرما به داران و بزرگان مالکان و استبداد سیاه آنها دیدند و جمهوری اسلامی وجه فاجع آنرا تجربه کردند. این فریبکاری رنگ باخت و حمایت از جنبش ملی خلق کرد و مبارزه عادلانه مردم کردستان علیه رژیم خمینی در میان مردم سرانگشور، زمینه بیشتری پیدا کرد. اکنون توده های که به مخالفت و مبارزه علیه رژیم خمینی بر می خیزند منافع خود را به پیشتر در امان و بقا، جنبش ملی خلق کرد می یابند. توده های مردم درک می کنند که جنبش ملی خلق کرد چیزی از مبارزه آزادیخواهانه و حق طلبانه سراسری آنهاست، کارگران و زمینداران آگاه میهن ما می دانند که سرکوب و خشنودگی و جنایتکارانه خلق کرد و نیروهای ملی و مترقی کردستان، جدا از جنایات رژیم علیه جنبش اعتراضی و مطالبات آنها نیست.

رژیم استبدادی و ارتجاعی جمهوری اسلامی دشمن همه خلقهای میهن ما، دشمن کارگساران دهقانان، زحمتکاران و همه نیروهای ملی و دموکراتیک ایران است. مبارزه در راه تحقق خواستهای ملی و مردمی خلقهای سرانگشور و مبارزه کارگران، دهقانان، زحمتکاران علیه ظلم و جور رژیم حامی کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان و اشراف و استبداد حاکم، یکی است. به این دلیل پیوندهای چه بیشتر جنبش ملی خلقهای سرانگشور و پیوندهای خلق کرد با جنبش انقلابی سراسری ضروری مهم و اجتناب ناپذیر است.

با وجود رژیم جمهوری اسلامی هیچگاه خواستهای بحق خلق کرد، تحقق نخواهد یافت. شرط مقدم تحقق خواستهای مردم میهن ما سرنگونی رژیم حاکم است. در این راه پیوندهای ملی و مترقی سرکوبان نیروهای انقلابی کشور ضروری قطعی دارد و در خدمت تحقق اهداف مشترک ما است. بر این اساس ما زبیشتر با خیر حزب دموکرات کردستان ایران یعنی بر "هما هنگی و اتحاد در میان نیروهای انقلابی و دموکراتیک کشور" برای سرنگونی رژیم جمهوری

اسلامی استقبال می کنیم و از ادرجهت اهدا ف انقلابی خویش می دانیم. ما هما گونگی که با رها اعلام کرده ایم، نسبت به هرگونه تلاش و توطئه در جهت ایجاد تفرقه در صفوف نیروهای ملی و دموکراتیک در کل کشور و در کردستان همدارمی و همه نیروهای را که در راه آرمانهای مردم کردستان مبارزه می کنند، به اتحاد دو یگانگی علیه رژیم استبدادی و ارتجاعی جمهوری اسلامی فرامی خوانیم. در شرایط کنونی وحدت نیروهای خلق کرد با نیروهای انقلابی و ترقیخواه کشور و حمایت همه جانبه همه نیروهای مترقی ایران از مبارزه عادلانه خلق کرد و تقویت این جنبش ضروری بیشترین فایده است.

نه ایجاد یگانگی نظامی و سرکوب و خشنودگی خلق کرد، نه قتل عام زنان و کودکان و ویران سازی مناطق مسکونی کوچک اجباری روستا نشینان و نه هیچ توطئه دیگری، قادر نیست خلق کرد را از مبارزه عادلانه خود برای تامین خود مختاری کردستان و آزادی ایران باز دارد. هر روز که می گذرد جنبش ملی خلق کرد از حمایت بیشتر مردم سرانگشور برخوردار می گردد و رژیم جمهوری اسلامی متفرد تر می شود.

اتحاد در میان ما کارگران، دهقانان و زحمتکاران سرانگشور ما، ما من پیروزی برای رجوع داخلی و امیرالیسم و تحقق آماج های حق طلبانه و انقلابی آنان است.

پند از فرانسه نوبت آمریکا

سرانجام پرده ها بالا رفت و تلاش های پشت پرده رژیم خمینی برای بدست آوردن دل دولت فرانسه و جلب حمایت آن به " روی صحنه " آمد. در اوایل اردیبهشت ما امسال رژیم جمهوری اسلامی هیاتی به سرپرستی علیرضا معیری معاون سیاسی نخست وزیر را راهی پاریس کرد تا مقدمات " عادی شدن روابط میان دو کشور را فراهم آورد و به دیگر سخن دوست جدیدی از بلوک " استکبار " برای رژیم ایران پیدا کند. بنا به گزارش خبرگزاریها استقبالی گنجه " گاردهای جمهوری با کلاه خورشید شیرهای نقره ای درختان " از فرستادگان خلیفه جماران بعمل آوردند در حد دوگانه نظیر بوده و ملاقات ها و توافق های محرمانه درجی کاملاً " دوستانه " و " تفاهم آمیز " انجام گرفته است. ملاقات ها و توافق های کنه میان نمایندگان " امام " و دولت فرانسه در فرانسه یعنی فرانسویترین، ژاک شیراک و دیگران انجام گرفت گویای آن است که هر دو طرف معامله از معاملات آغاز شده و از " شتی " خود غرق در سرور و شادمانی اند.

مسأله مهمی که در این زمینه میهن ما به ریس و توافقهای محرمانه میان دو کشور اتفاق می افتد که بدون زمینه قبلی انجام گیرد. رژیم خمینی در هر فرصت مناسبی از ما میباید که فرانسویان را به " متافع " فرانسه از عراق و نیز از حضور و فعالیت مخالفان رژیم در این کشور گلابی می کرد و ما به میریالیستهای فرانسوی همدارمی داد که " متافع " فرانسه را در ایران درک نمیکنند، رژیم ایران همواره به دولت فرانسه نفهمی می کرد که به شرط قطع حمایت یک جانبه از عراق در جنگ با ایران و محدود کردن فعالیت پیوزسیون مترقی رژیم خمینی در فرانسه از خوان نعمتی که رژیم برزیلی از غارتگران داخلی و خارجی گسترده است، بهر همتی می گردد. پیروزی دولت دست راستی ژاک شیراک در انتخابات فرانسه، آن فرصت طلایی بود که سرمداران رژیم خمینی برای پیاده کردن اهداف ضد ملی و ضد مردمی خود نیامده اند. رژیم جمهوری اسلامی در سیمای دست راستی های دولت فرانسه نیرویی را می دید که بافتن زبان مشترک با آنان آسانتر بود. علیرضا معیری خود رکنفرانسن مطبوعاً تندی در پاریس درین مورد با خوشحالی اعتراف کرد: " باروی کار آمدن دولت آقای شیراک ما شامند نکات مثبتی (۱۱) بوده ایم، ما احساس می کنیم که آقای شیراک توجه خاصی به موقعیت استراتژیک ایران در منطقه دارد، (۱۲) اطلاعات اول خرداد (۵۸) بهر صورت برجستین بستری بود که ملاقاتها و توافق ها صورت گرفت و در نتیجه آن هر دو دولت بمنظور نشان دادن حسن نیت و جهت استقبال خود دست به اقداماتی زدند: دولت فرانسه برنا مهمایی را برای محدود کردن فعالیت پیوزسیون مترقی رژیم ایران به اجرا گذاشت، رهبری سازمان مجاهدین را از فرانسه اخراج کرد، متعهد شد که در جوار مدمورا سلحه عراق، ایران را نیز از نظر سلاحهای فرانسوی بی نصیب نگذارد و یک اعتبار یک میلیار دلاری برای خرید سلحه در اختیار رژیم خمینی گذاشت، رژیم ایران نیز علاوه بر اقدامات جنجالی مثل آزاد کردن گروگانهای فرانسوی در لبنان و آزادی رهبران شرکت هوا بیما بی فرانس در تهران، بلافاصله قرار خرید یک میلیارد دلار سلحه را در کرد و دربار آزادی را چارتراق

به روی فرانسوی ها باز نمود، میریالیست های فرانسوی را در برهه برداری از " موقعیت استراتژیک ایران در منطقه " که چیزی جز بقای نقش ضد انقلابی و همخوانی با میریالیست های جنبش ها و دولتهای انقلابی و شوروی نیست. امیدواریم ساخت و بیاد آنها را تا اطمینان خاطر از دست می توانند همچون گذشته در ایران سرمایه گذاری کنند.

یکی از مواردی که رژیم خمینی در روابط خود با فرانسه بسیار دربار آن به هیاهو پرداخته مسأله بازین گرفتن یک میلیار دلاری بود که شهادت جنا بنگارا زکیسه زحمتکاران ایران در اختیار انصارات فرانسوی قرار داده بود. روشن بود که بر سر طلب نیز همان خواهد رفت که بر سر مطالبات ایران از آمریکا رفت. اما میریالیست های فرانسوی بدینال طرح مسأله یک میلیار دلاری مورد نظر، اعلام کرده اند که رژیم ایران نیز با بدخارات شرکت های فرانسوی متفرداً انقلاب را با زبرد اخت نماید.

روشن است که داد منته توافقها و امتیازاتی که طرفین به همدیگر داده اند، فراتر از موارد اعلام شده است.

دیگر پوشیده نیست که رژیم خمینی به همان میزان که زمان بیشتری رود، به همان میزان که نفرت طبقه کارگرو توده های زحمتکش را بطور روزافزون نسبت به خود برمی انگیزد، به همان میزان که در فلکات اقتصادی فرومی رود... بیشتر و بیشتر دست در پیوستگی رسمی و عملی پیش درندگان امیرالیست دراز می کند تا با تکیه بر آنسان چندمباحی دیگر به عمق خود را مدهد. رژیم خمینی که روزگاری هیاهوی " فدا میریالیستی " اش چنانی را بر کرده بود، اکنون آماده است تا با زبان آخوندی در برابر امیرالیست آمریکا نیز توبه کند و آرایند " دوستی "، " تفاهم " و تجدید نظر در روابط خود با ایران فرامی خواند.

بنیاد رژیم جمهوری اسلامی بر غارت توده های کارگرو رنجبر و انباشتن کینه های سیری ناپذیر سرمایه داران و استعمارگران، سرکوب مردم، جنگ طلبی و بربریت استوار است. در جهان ما مفسر هر رژیمی با چنین مشخصاتی بطور عینی و با لطمع در چارچوب " خانواده " سرمایه داری جهان استی قرار داد و از زهر کجا که شروع کند و به هر ادعایی که بپردازد، راهی جز اتحاد و توافق با دیگر اعضای این دودمان کثیف و خدیشی ندارد. نمی توان در خانواده او حدی زیست نمود. ابتدا دیگر اعضای خانواده " تهر " بود. مخصوصاً رئیس خانواده جناب عموسام.

از مبارزه پزشکان...

بقیه اصفحه اول را به این خود سرها ابراز کرده اند، به اعمال فشا خود را به تازگی داده است. مقاومت پزشکان در مقابل رژیم و اعتراض گسترده و اعتصاب سراسری آنان حاکی از اهمیت مسأله ای است که ما به پزشکیان کشور آن درگیری است.

مردم زحمتکش و شریف میهن ما برای خدمات ارزمند پزشکان در کشور در قبال فدا و بیستیزی هستند. همدردیها، کمک های بی دریغ و ایستار پزشکان و سایر پرسنل پزشکی در آستانه انقلاب بهمن در خاطر مردم ما جا وید است. مردم ما به اعتراض و مخالفت خود به بیعدالتی رژیم علیه جامعه پزشکی، پشتیبانی خود را با آنان اعلام می دارند. رژیم ولایت بقیه با ایرادات آنها ما تاروا و شناخته شده ای از قبیل انصاف " فخلق " به پزشکان زحمتکش کشور پیوسته کسانیکه شبا نه روز خدمت مردم هستند، طرفی نخواهد بست و رسوا نخواهد شد. رژیم که قادر نیست درمان و بهداشت عمومی جامعه را که همچنان در سطح نازل قرار دارد و بروز بدتر از قبلی می شود، تسخیری دهد. با اعمال فشا روایجاد اختناق در محیط کار و فعالیت جامعه پزشکی بر مشکلات می افزاید. رژیم خمینی با مفسر بوده عظیم برای جنگ و کلاهش بوده در ما نسبی و بهداشتی کشور، مشکلات درمانی و بهداشتی کشور را مچندانی کرده است.

سرگردانی محرومین جامعه پشت دره های درمانگاهها و بیمارستانها برای مداوا و بستری شدن، شیوع انواع بیماریهای عفونی کشنده، افزایش مرگ و میر کودکان و بزرگان، هرج و مرج در اداره امور مراکز درمانی و بهداشتی و بیمارستانهای کشور، بی توجهی به سطح علمی پزشکان کشور و دهم و صدها مورد دیگر رانما به سپاه " خدمات درمانی و بهداشتی " رژیم جنگ و تبجکاری جمهوری اسلامی است.

تعرف دولت به " سازمان نظام پزشکی " برای انحلال و قبضه آن از سرشت ارتجاعی رژیم که با هرگونه تشکل و سازمان صغی مردم گینه می ورزد، نشأت می گیرد.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، از مبارزات برج پزشکان در کشور با طریا زمان مستقل صغی خود قاطعانه دفاعی کند و همه همبستاران را به پشتیبانی از پزشکان کشور فرامی خواند.

دگرگونیهاست هشتادمین سالگرد انقلاب مشروطیت

۱۴ مرداد امسال برابر است با هشتادمین سالگرد انقلاب مشروطیت. انقلاب فداستبدادی و جهاد ننگر زواری مفاصل و اشکال مبارزاتی برجستهترین جنبش بود که بلافاصله پس از انقلاب ۱۹۰۵ روسیه در گرفت. این انقلاب از یک طرف مرحله جدیدی در تاریخ مبارزات مردم ما گشود و از طرف دیگر آنها بخش جنبش های دیگری در آسیا گشت. انقلاب مشروطه از ابتدایی ترین اشکال مبارزه یعنی طومار نویسی، بست نشینی و دادخواهی، تا عالی ترین شکل آن قیام مسلح خلق را تجربه کرد و هر چند سرانجام در نتیجه خیانت بورژوازی و دستگاه روحانیت و با دخالت نظامی دولت تزاری روس و امپریالیسم انگلیس درخسوف خفه گشت، ولی توانست پشت دستگاها استبدادی و فاسدقاجاری را بر خساک باند، شاهان خودسرو را به دیروزگی و ادا ردویا تحمیل قانون اساسی و متمم آن (در سال ۱۹۰۷) پاره ای اصلاحات را به آنها تحمیل کند. انقلاب مشروطیت سرانجام ناکام ماند، ولی همچون هر انقلابی آنچنان تجارب و درسهای گرانمایه ای از خود بر جای نسل های بعد و پیشروان مردم برجای گذاشت که گذشت نزدیک به یک قرن، هنوز از اهمیت آنها ننگاست.

انقلاب مشروطه با شرکت گسترده اقشار و طبقات و نیروهای اجتماعی گوناگون ایران آن روزگار آغاز شد. آنچه در مرحله نخست تمامی این نیروها را بهم پیوند می داد فساد دینش و زهد دستگاه سلطنت و سلطه دول استبدادی بر کشور بود. از همین رو هر کدام از نیروهای شرکت کننده در انقلاب با اهداف و آرمانهای مشخص خویش در آن شرکت جستند و هر کدام بسته به خلعت طبقاتی خویش تا مراحل معینی با آن همراهی نمودند.

بورژوازی ایران از یک سو به جهت خلعت تجاری و دلالت منشی خود، و از سوی دیگری جهت ارتباط تنگاتنگش با مالکیت فئودالی بر زمین، برخلاف بورژوازی کلاسیک اروپا در انقلابات بورژوازی، خواهان الفاء مناسبات فرسوده فئودالی و قطع کامل روابط استعماری نبود، بلکه خواستار رفع محدودیت های دربار و حکام محلی برای تجارت و مخالفت سلطه بلافاصله استعمارگران بر کمربند بازاری داخلی و مورالی کشور بود. بورژوازی ایران، ایرانی را از روسی کرده در آن امتیاز کمربند به مسیوتوز بلژیکی و امتیاز تنباکوبه فلان شرکت انگلیسی واگذار نشود و شاه برای باز پرداخت وام های خارجی خود با بستن مالیاتها سرکشیاش ننماید. درست بهمین سبب بورژوازی ایران اغلب بیش از آنکه از استبداد سلطنتی و استعمار امپریالیستی متنفر باشد، از توده های مردم و زورق مبارزات و مطالبات آنها - که قطعاً به اخراج مسیوتوزها خاتمه نمی یافت - متنفر بود. این بورژوازی آنگاه که با تصویب قانون اساسی و متمم آن امتیازاتی به کف آورد، و در کنار زمینداران و روحانیون در قدرت شرکت جست در برابر مردم قرار گرفت و علیه انقلاب که دیگر رهبری آن در دستان نواستند و راهبری چون ستارخان و حیدر عموا و نعلی و علی مسیوها قرار داشت، از هیچ خیانتی دریغ نکرد.

دستگاه روحانیت و روحانیون طراز اول در این دوره به جهت فرمانروایی بر اراضی بیکرانی تحت نام موقوفات و نیز داشتن املاک خصوصی بخش خاصی از طبقه زمینداران ایران را تشکیل می داد. علاوه بر آن روحانیت دارای حیطه فرمائیه روحانی بود. بخش بزرگ روحانیون با توجه به منافع خود در حفظ نظم موجود بدین جهت بود که ترس از افکار روشنگران و آزادی طلبانه را با اسباب تحریک پایگاه و به ویژه افکار خردمند منافع خود می دانست. از این نظر سرانجام آنها در دفاع از منافع دربار و اشراف و استعمار در برابر جنبش قرار گرفت و با تکیه بر اینکه "با وجود قرائن نیازی به قانون اساسی نیست" مشروطه طلبان را با عناوین "بابی"، "مزدکی" و "طبیعی" تکفیر نمود. حاج شیخ فضل الله نوری و مهدستان او در تهران و میرهاشم دوهی و میرزا حسن قاجار و مجتهدو غیره در تبریز و سبیل این بخش از روحانیت اند. نگاهی به دوره های که طرفداران شیخ فضل الله نوری پراکنده اند و در صفحات ۴۲۲ - ۴۲۸ و ۴۱۵ - ۴۲۲ تاریخ مشروطه کسروی شما نقل شده است، بیانگر کاملی است، و این گزافی و عوام فریبی "مشروع" خواهان است. این بخش از روحانیت در جریان قیام تبریز و قیام و متعلق قهرمان این شهر در برابر ارتش دولتی و قوای ستارخان پستی و فرومایگی و جنایاتی از خود نشان دادند که تا ابد از سینه تاریخ پاک نخواهد شد.

بخش دیگر روحانیت که در آنجا ملاکان لبرال و تجار بزرگ عمل می کرد با هدف بدست گرفتن مباحث و کسب امتیازات بیشتر برای خود در انقلاب شرکت جست. این بخش که پیش از همه بیانگر منافع تجار بزرگ بود، در ده ساله نخست انقلاب با آن همراهی کرد و پس از تصویب قانون اساسی و متمم آن در سال ۱۹۰۷ و زورق مبارزات توده های زحمتکش - بویژه تبریز - دوشادوش روزی - رسانش یعنی تجار اروپایی سوی ارتجاع نهاد. سمبل این بخش از روحانیت - سید عبدالله بهبهانی مخالف مشهور تحریم تنباکوست که در زمان خودی به اشرافیت، زمینخواری، اختلاس، فساد و گدایی از استعمارگران اشتهار داشت. رادیکال ترین بخش جنبش را در انقلاب مشروطیت توده های زحمتکش شهری، کسبه خرده پا، پیشه وران، عمله ها و دهقانان تشکیل می داد. اینان کسبه انقلاب در نتیجه فداکاریهای شان پیش رفت، آرمانی جزا محای استبداد و استعمار، نابودی ستم فئودالی و انجام اصلاحات دموکراتیک در سر نهادند. این نیروها اگرچه در مرحله اول انقلاب بنا به علل مختلف بیشتر زیر نفوذ رهبران بورژوازی و مراجع روحانی قرار داشتند، ولی به موازات زورق جنبش و رویگردانی سازگاران و مخالفان تزاریان، در بسیاری از نقاط راه خود را بگلی از آنان جدا کردند.

سازمان سیاسی مدافع مباحث توده های زحمتکش در انقلاب مشروطیت حزب سوسیال دموکرات ایران (اجتماعیون - بویژه با بودکها بر اثر مساعی کمیونست های آن دوره و بویژه شخص حیدرخان عموا و علی گرفت و نقض فوق العاده زیادی در انقلاب ایفا نمود. قوی ترین سازمان فرقه ای - اجتماعیون عامیون در تبریز بود. فرقه اجتماعیون - عامیون که در تبریز با نام "انجمن غیبی" و با ریاست علی مسیوفعلیت می کرد، با تکیه به تضاد طبقاتی و معنای فداکاری را از آن گذشته، در طول انقلاب مشروطیت در مقام رهبری انقلاب آذربایجان قرار داشت و بیانشی است. تبریز سر قهرمان تا چهار سال پس از تصویب قانون اساسی و خفه شدن انقلاب در یک - نقاط صلاح بر زمین نگذاشت. همانا تحت رهبری این حزب بود که واژه مقاومت قهرمانانه تبریز و شهرت ستارخان از زبیر زبورگ گرفته تا مراکش بخشش

گردید و چه در داخل کشور و چه در خارج مردم کوچه و بازار ترانه ها در وصف قهرمانی تبریزیان و ستارخان ساختند. علیرغم جانفشانی های قهرمانانه توده های مردم - اعم از زن و مرد و بیروچون - انقلاب سرانجام در نتیجه یک رشته عوامل داخلی و خارجی به شکست انجامید. ولی چندی بعد دوباره در مناطق مختلف ایران بویژه نواحی شمالی ایران - گیلان، خراسان و آذربایجان - پی گرفته شد. از این نظر می توان قیام جنگل، قیام شیخ محمد خیا بانی در تبریز و قیام گلشن محمد تقی خان پسیان را بویژه تداوم انقلاب مشروطه با مضامین متگامل تزاری تلقی نمود.

انقلاب مشروطه همچنانکه طبقات، اقشار و نیروهای گوناگون ایران را تعمید سیاسی داد و از زمک تجربه گذراند، در عرصه جهانی نیز صف دوستی و دشمنی مردم را عیان تر ساخت. در شرایطی که تزار روس و انگلیس برای سرکوب انقلاب دست آشتی می زدند، حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه به رهبری لنین از هیچگونه کمک مادی، تهیه سلاح و اعزام فدائیان برای کمک به مبارزین ایرانی دریغ نوردید. بنا به قرائن کمیته های تزاری و فقفا حزب، سازمانهای ویژه ای برای کمک به انقلاب ایران تحت نظارت و رهبری و شرکت مستقیم بلشویک های نامداری چون مشهدی عزیزبیکوف و نیرمان نریمانوف، ارژونیکیدزه و... بوجود آمد و آنچنان نقشی در انقلاب ایفا نمود که انقلاب مشروطه بدون آن قابل تصور نیست. و ای لنین که بدقت حوادث ایران و بویژه مقاومت و دلوری شهر قهرمان تبریز به رهبری ستارخان را تعقیب می نمود، همواره همدردی و پشتیبانی حزب بلشویک ها و طبقه کارگر زحمتکش آن روسیه را از زحمتکشان ایران و حزب سوسیال دموکرات (اجتماعیون - عامیون) اعلامی داشت. بعنوان نمونه در قطعنامه ای که به پیشنهاد لنین در ششمین کنفرانس حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه به تصویب رسیده گشته می شود: "حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه با ست چپا و لگری دستجات قدرت تزاری را - که در صدد خفه کردن آزادی مردم ایرانند و در این راه از هیچگونه پستی و خویشگری ایبانی نمی کنند - محکوم می کنند... کنفرانس همینست که کامل خود را با مبارزه مردم ایران و بویژه با مبارزه حزب سوسیال دموکرات ایران که در مبارزه با تجار و زگران تزاری اینهمه قهرمانی داده است، اعلام می دارد."

انقلاب مشروطه ایران فکلی کیفیتا نوین در ادبیات و هنر ایران گشود نویسنده گان نامداری چون میرزا فتحعلی آخوندزاده (با محتویات کمال الدوله و...) میرزا عبدالرحیم بیگ طالسوف تبریزی (با کتاب احمد و سناک الحسینی)، وحاجی زین العابدین مراغه ای (با سناخت نامها بر اهرام بیگ)، و دیگران را از اسلحه ای قبل از انقلاب مشروطه بنیان تحول ادبیات آذربایران فئودالیسم به دوران جدید بنا نهاده بودند. ولی انقلاب مشروطه با به میدان آوردن ادبیات انقلابی و اشاعه آن تا سطح مردم بقدریکن کوچه و بازار، هم از نظر شکل و هم از نظر مضمون تحولی کیفی بدان بخشید. طبعی نویسندگان و شاعران پارسی گوی نامداری چون میرزا علی اکبر هدخدا، میرزا جهانگیرخان سراسر افقیل، عارف سعید شرف الدین گیلانی (نسیم شمالی) تنها در رابطه با انقلاب قابل توصیف است. انقلاب همچنانکه ادبیات مشروطه را در زبان فارسی پدید آورد، در ادبیات مکتوب و شفاهی آذربایجان نیز تا حد عمده ای برای گذشت. انقلاب مشروطه و ادبیات مشروطه با آثار طلیل محمدقلی زاده (مدیر مجله "ملانصرالدین")، میرزا علی اکبر با سراسر عباس صحت، محمد سعید اردوبادی، نیرمان نریمانوف، عزیز حاجی بیگوف علی قلی شنگین و نویسندگانی چون علی جمال سعیدسلماسی، عبدالحمید خان و... آنچنان به هم گره خورده است که گسستن آن غیر ممکن است.

جنبش مشروطه ایران و با تگری به آن در شرایط کنونی میهن ما بسک بررسی محدودتری تنها مربوط به گذشته نیست، تاریخ مزاجی کرده و پس از سپری شدن نزدیک به ۸۰ سال از بدآر و بیخته شدن مرتجع افراطی شیخ فضل الله نوری و اعدام انقلابی بهبهانی، وارث اندیشه های فوق ارتجاعی آن خیمینی جنایتکار و مریدانش بر بررسی خلافت نشسته و فرزندانش محمدعلی شاه و عین الدوله هازیر علم "مشروطه" اذراق دوران طلایی از دست رفته نامه های می کنند. شاه پرستان رنگ و رنگ و سینه چاکان رقاصه ها و محمدرفا شاه (بر خلاف خمینی و اصحابش که "ما دقانه" برومخ روحانیت ارتجاعی دوران مشروطه و شیخ فضل الله نوری صدمه می گذارند) علنی مشروطه خواهی برافراشته اند و اوصاف مشروطه قهرمانان آن رزمی خوانند. نظری گذرنامه دوره سلطنت رفاخان و محمدرفا شاه بروشنی نشان می دهند که خاندان متفوق و پهلوی خود بزرگترین دشمن مشروطیت و دستاورد های انقلاب مشروطه بوده اند. شاه پرستان قطعاً خود می دانند که رفاخان قزاق از همان سالهای نوجوانی بدسته قزاق پیوست و دوشادوش سربازان انگلیسی در سرکوب انقلاب گیلان که در واقع تداوم انقلاب مشروطه بود، فعلا نه شرکت جست، با زوروشن است که محمدرفا شاه نیز در ادامه راه پدرتاجدار خود در دوران سلطنتش چگونه قیام فرزندان ستارخان ها و باقرخان ها در آذربایجان و کردستان را (در سالهای ۲۶ - ۱۳۲۵) به خاک و خون کشید و پس از این کشتین مجسمه ستارخان و باقرخان از خیابانهای تبریز همان محل هارایسه جایگاه تبریان را انقلابیون تبدیل کرد.

با این تقاضای شاه پرستان ما برچم مشروطه خواهی و با اده قانون اساسی گریه عابده شده اند و سینه چاک می دهند تا مگر دوباره آن سلطنت و آن بساط برچیده شده شاهنشاهی استبدادی را بر کشور چیره کنند. قانون اساسی مشروطه هر چند برای سالهای نخست قرن حاضر در جامه مسیه ایران یک گام - و تنها یک گام - به پیش بود، اما چنانکه بدیم حتمی توده های مردم و پیشروان انقلابی آنها در همان سالها نیز به آن اکتفا نکردند و تا سالها پس از آن نیز برای برچیدن بساط سلطنت استبدادی سلاح بر زمین نهدند. امروز پس از گذشت ۸۰ سال از زورگارتلانی برای بنیاد کردن آن مشروطیت و آن قانون اساسی بهمان اندازه ای ارتجاعی است که تلاشهای مثال محمدعلی شاه و شیخ فضل الله نوری بر دشمنه طیت در آن روزگار بویندگان و ووا رشین راه قهرمانان مشروطه ای انقلابیونی، مستند که با همان عشق و جنب و جوش و دلیری حیدر وستار زوفداییان، در زورندیدترین قشارها و وحیانه ترین شکنجه ها، لحظه ای در دفاع از منافع طبقه کارگر و توده های زحمتکش با زبانی با شنود برای نابودی رژیم ولایت فقیه و ستم امپریالیسم و سرما به داری آریانی نشینند. آرمای توده های انقلابی دوران مشروطیت و قهرمانان آن با برچیده شدن بساط ستم، استعمار و استعماربر آورده می شود.

گرامی باد خاطر شهیدان بخون خفته خلق

طرح استراتژی و تاکتیک سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برای انقلاب ملی و دموکراتیک ایران

۱ - بر اثر فرمهای شاه در دهه ۴۰ مناسبات سرمایه داری در پیونوسد ارگانیک با امپریالیسم جهانی به سرعت رشد کرده مناسبات غالب در کشور ما تبدیل گشت. در این روند، تضاد کاپیتالیسم با سرمایه به تضاد ملی جامعه تبدیل شد و تضاد خلق و امپریالیسم تشدید گردید.

در کشور ما گرچه شیوه تولید سرمایه داری شیوه غالب و استعمار سرمایه - داری شکل اصلی صاحب دسترنج کارگران و زحمتکشان است، ولی هنوز بقایای ساختارهای ماقبل سرمایه داری وجود دارد.

۲ - مردم میهن ما برای تأمین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعیه علیه حکومت دست نهاده شاه بپا خاستند و قهرمانان آن را به زیر کشیدند. انقلاب بهمن گرچه رژیم سلطنتی، لایه بالایی سرمایه و وابسته و مواضع سیاسی و نظامی امپریالیسم را بر انداخت ولی در نتیجه انتقال قدرت سیاسی به روحانیت پیرو خمینی، دستاوردهای دموکراتیک و مردمی انقلاب نه تنها گسترش نیافت، بلکه آماج ستیز و سرکوب رژیم ارتجاعی و استبدادی خمینی قرار گرفت.

۳ - رژیم جمهوری اسلامی رژیم است بورژوازی و تشوکرانیک، دارای خلعت عمیقاً ارتجاعی، ضد خلقی و ضد دموکراتیک که بیش از همه منافس روحانیت و بورژوازی تجاری را تا مین می کند.

۴ - آماج غایی سازمان ما استقرار سوسیالیسم و کمونیسم در ایران است. سوسیالیسم تنها نظامی است که قادر است کارگران و زحمتکشان را از بندهای استعمار سرمایه رها می بخشد، به استعمار انسان از انسان خاضع دهد و راه رشد همه جانبه و شتابنده نیروهای مولده را بگشاید و شرایط ترقی بی وقفه سطح زندگی مادی و معنوی زحمتکشان را تا مین کند. سازمان در راه دستیابی به این آماج مبارزه می کند.

۵ - برای تحقق خواسته های توده های مردم، جامعه ما در عرصه های گوناگون حیات اجتماعیه به یک تحول انقلابی دموکراتیک در راستای سوسیالیسم نیازمند است. انقلاب در کشور ما به جهت سطح تکامل جامعه، خلعت تضاد دلبا و آرایش نیروهای طبقه ای آن کماکان در مرحله ملی و دموکراتیک قرار دارد. تا مین صلح، آزادی و حقوق دموکراتیک مردم، جدایی دین از دولت، شنا سببی حق تعیین سرنوشت خلق ها، براندازی کلان سرمایه داری، بزرگ مالکی و محو بقایای ساختارهای ماقبل سرمایه داری، گسترش بخش دولتی و تعاونی و تحدید عرصه فعالیت بخش خصوصی و دموکراتیک تیزه کردن حیسانت اجتماعیه - اقتصادیه، قطع وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم، انحصار سیاست خارجی مترقی از عمده ترین وظایف انقلاب ملی - دموکراتیک ایران است که می باید در راستای سوسیالیسم انجام پذیرند. شرط ضروری و ضروری این انقلاب سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی و انتقال قدرت به طبقات

۶ - نیروهای محرکه انقلاب ملی و دموکراتیک ایران عبارتند از: طبقه کارگر، دهقانان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی. طبقه کارگر انقلابی ترین و پیشروترین طبقه و نیروی اصلی انقلاب است. لایه های پایینی بورژوازی نیز در برخی تحولات ملی و دموکراتیک درگیرند، اما قادر به تحول انقلابی جامعه ما نیستند. اتحاد نیروهای محرکه انقلاب و انفرادی بورژوازی لیبرال و خنثی کردن ناپیگیری سایر نیروهای بورژوازی برای انجام تحول انقلابی جامعه ضروری است.

۷ - در انقلاب ملی و دموکراتیک علاوه بر طبقه کارگر، نیروهای طبقه ای دیگری نیز شریک و ذینفع هستند و تلاش می کنند سرکردگی خود را در انقلاب تا مین نمایند. سرنوشت انقلاب با سرکردگی آن گروه می خورد. سازمان ما با تمام قوا در راه تأمین رهبری پرولتاریا در انقلاب ملی و دموکراتیک ایران، بمثابه اساسی ترین وظیفه استراتژیک خود مبارزه می کند. تا مین سرکردگی مستلزم آن است که طبقه کارگر متحد شود، بورژوازی لیبرال را متفرق و ناپیگیری سایر نیروهای بورژوازی را خنثی سازد و دستاوردهای دهقانان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی را به سوی خود جلب کند. پیشرفت پیگیرانه فرجام رسانیدن انقلاب ملی و دموکراتیک ایران در گرو و تأمین رهبری پرولتاریا در این انقلاب و قرار گرفتن پیشاهنگ طبقه کارگر در رأس قدرت سیاسی است.

۸ - مبارزه در راه بسیج طبقه کارگر و دیگر اقشار روطبقات خلق تحسنت رهبری پیشاهنگ طبقه کارگر، مبارزه در راه وحدت همه نیروها و سوسیالیسم علمی در حزب و احاطه طبقه کارگر ایران، مبارزه در راه تأمین اتحاد همه نیروهای مترقی، دموکراتیک و انقلابی در یک جبهه و احدا زعمده ترین - وظایف استراتژیک سازمان در مرحله کنونی و به منظور سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت انقلابی خلق است.

این حاکمیت بر اساس اتحاد راه و احاطه طبقه کارگر، دهقانان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی متکی و بپا را عمل آن دولتی دموکراتیک و انقلابی است که باید بر نامه طبقه کارگر برای انقلاب ملی و دموکراتیک ایران را بپا جرای این دولت در اجرای بر نامه مذکور با میزان سهم و نقش طبقه کارگر و پیشاهنگ آن در این حاکمیت بستگی می یابد.

۹ - اتحاد نیروهای محرکه انقلاب ملی - دموکراتیک ایران کمنه استخوانبندی آن را اتحاد کارگران و دهقانان تشکیل می دهد، لازم است تحقیق این انقلاب است. تا مین این اتحاد را وظایف اساسی پیشاهنگ طبقه کارگر است.

در شرایط کنونی که سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی آماج مقدم جنبش است. تأمین اتحاد گسترده ای از نیروهای انقلابی، دموکراتیک و مترقی کشور که خواهان صلح، دموکراسی و سرنوشتی رژیم هستند در یک جبهه و احدا ضرورت عاجل دارد. اتحاد نیروهای محرکه انقلاب شاملوده این جبهه است. جبهه و احدا بر اساس بر نامه مشترکی که مورد توافق همه نیروهای آن قرار می گیرد، تشکیل می شود. سازمان بر نامه خود را بعنوان بر نامه ایسین جبهه پیشنهاد می کند.

در راه رسیدن به این جبهه سازمان از تأمین و گسترش همکاری و اتحاد عمل با همه نیروهای ترقیخواه کشور علیه رژیم استقبال می کند.

۱۰ - رژیم جمهوری اسلامی امکان اعمال اراده مردم را با سرکوب قهرآمیز سلب کرده است، تنها راه انتقال قدرت سیاسی به خلق اعمال قهر است. لذا سازمان آماده ساختن توده های خلق را برای مبارزه مسلحانه به منظور سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی و طبقه خود می داند. در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی می توان تمام اشکال مسالمت آمیز و قهرآمیز مبارزه را بکار گرفت.

منطقه اعلام می دارد.

مبارزه مشترک خلقهای ما علیه جنگ خانمانسوز و در راه برقراری صلح، سرنوشت خلقهای ما را بهم پیوند زده است. قطع جنگ ایران و عراق که برای زحمتکشان هر دو کشور چیزی جز سه روزی و قریباً نیهایی بیشمار همراه نیسارد است، از هدف های مشترک ما و شماست؛ اکنون که نفرت از جنگ و سیاستهای جنگ طلبانه و ضد خلقی رژیم های ایران و عراق در دل خلقهای ما شدید و شدیدتر می شود؛ بیچارگان بزرگ مردم دو کشور ما علیه جنگ و در راه سرنوشتی رژیمهای استبدادی ایران و عراق و استقرار رژیم های دموکراتیک بر پایه خواست و اراده آزاد مردم کشورهای ما گسترش روز افزونی می یابد. پلنوم وسیع اهمیت خاصی برای گسترش مبارزه مردم ایران در راه صلح و آزادی قایل گردید. همه نیروهای انقلابی، فدائیان لیست و دموکرات ایران را که در راه صلح و آزادی و علیه رژیم استبداد مذهبی خمینی بپیکار می کنند به اتحاد در مجویانه فراخوانده است.

ما با اطمینان به پیروزی و آینده تابناک خلقهای ما با همه توان در راه تحقق آماج های مشترک بپیکار می کنیم. یقین داریم که روابط صمیمانه بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بین سازمان ما و حزب برادر حزب کمونیست عراق، و مساعده های متقابل به جنبش انقلابی خلقهای دو کشور و پیروزی زحمتکشان ما را نزدیک تر خواهد کرد.

۱ - بر اثر فرمهای شاه در دهه ۴۰ مناسبات سرمایه داری در پیونوسد ارگانیک با امپریالیسم جهانی به سرعت رشد کرده مناسبات غالب در کشور ما تبدیل گشت. در این روند، تضاد کاپیتالیسم با سرمایه به تضاد ملی جامعه تبدیل شد و تضاد خلق و امپریالیسم تشدید گردید.

در کشور ما گرچه شیوه تولید سرمایه داری شیوه غالب و استعمار سرمایه - داری شکل اصلی صاحب دسترنج کارگران و زحمتکشان است، ولی هنوز بقایای ساختارهای ماقبل سرمایه داری وجود دارد.

۲ - مردم میهن ما برای تأمین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعیه علیه حکومت دست نهاده شاه بپا خاستند و قهرمانان آن را به زیر کشیدند. انقلاب بهمن گرچه رژیم سلطنتی، لایه بالایی سرمایه و وابسته و مواضع سیاسی و نظامی امپریالیسم را بر انداخت ولی در نتیجه انتقال قدرت سیاسی به روحانیت پیرو خمینی، دستاوردهای دموکراتیک و مردمی انقلاب نه تنها گسترش نیافت، بلکه آماج ستیز و سرکوب رژیم ارتجاعی و استبدادی خمینی قرار گرفت.

۳ - رژیم جمهوری اسلامی رژیم است بورژوازی و تشوکرانیک، دارای خلعت عمیقاً ارتجاعی، ضد خلقی و ضد دموکراتیک که بیش از همه منافس روحانیت و بورژوازی تجاری را تا مین می کند.

۴ - آماج غایی سازمان ما استقرار سوسیالیسم و کمونیسم در ایران است. سوسیالیسم تنها نظامی است که قادر است کارگران و زحمتکشان را از بندهای استعمار سرمایه رها می بخشد، به استعمار انسان از انسان خاضع دهد و راه رشد همه جانبه و شتابنده نیروهای مولده را بگشاید و شرایط ترقی بی وقفه سطح زندگی مادی و معنوی زحمتکشان را تا مین کند. سازمان در راه دستیابی به این آماج مبارزه می کند.

۵ - برای تحقق خواسته های توده های مردم، جامعه ما در عرصه های گوناگون حیات اجتماعیه به یک تحول انقلابی دموکراتیک در راستای سوسیالیسم نیازمند است. انقلاب در کشور ما به جهت سطح تکامل جامعه، خلعت تضاد دلبا و آرایش نیروهای طبقه ای آن کماکان در مرحله ملی و دموکراتیک قرار دارد. تا مین صلح، آزادی و حقوق دموکراتیک مردم، جدایی دین از دولت، شنا سببی حق تعیین سرنوشت خلق ها، براندازی کلان سرمایه داری، بزرگ مالکی و محو بقایای ساختارهای ماقبل سرمایه داری، گسترش بخش دولتی و تعاونی و تحدید عرصه فعالیت بخش خصوصی و دموکراتیک تیزه کردن حیسانت اجتماعیه - اقتصادیه، قطع وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم، انحصار سیاست خارجی مترقی از عمده ترین وظایف انقلاب ملی - دموکراتیک ایران است که می باید در راستای سوسیالیسم انجام پذیرند. شرط ضروری و ضروری این انقلاب سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی و انتقال قدرت به طبقات

۶ - نیروهای محرکه انقلاب ملی و دموکراتیک ایران عبارتند از: طبقه کارگر، دهقانان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی. طبقه کارگر انقلابی ترین و پیشروترین طبقه و نیروی اصلی انقلاب است. لایه های پایینی بورژوازی نیز در برخی تحولات ملی و دموکراتیک درگیرند، اما قادر به تحول انقلابی جامعه ما نیستند. اتحاد نیروهای محرکه انقلاب و انفرادی بورژوازی لیبرال و خنثی کردن ناپیگیری سایر نیروهای بورژوازی برای انجام تحول انقلابی جامعه ضروری است.

۷ - در انقلاب ملی و دموکراتیک علاوه بر طبقه کارگر، نیروهای طبقه ای دیگری نیز شریک و ذینفع هستند و تلاش می کنند سرکردگی خود را در انقلاب تا مین نمایند. سرنوشت انقلاب با سرکردگی آن گروه می خورد. سازمان ما با تمام قوا در راه تأمین رهبری پرولتاریا در انقلاب ملی و دموکراتیک ایران، بمثابه اساسی ترین وظیفه استراتژیک خود مبارزه می کند. تا مین سرکردگی مستلزم آن است که طبقه کارگر متحد شود، بورژوازی لیبرال را متفرق و ناپیگیری سایر نیروهای بورژوازی را خنثی سازد و دستاوردهای دهقانان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی را به سوی خود جلب کند. پیشرفت پیگیرانه فرجام رسانیدن انقلاب ملی و دموکراتیک ایران در گرو و تأمین رهبری پرولتاریا در این انقلاب و قرار گرفتن پیشاهنگ طبقه کارگر در رأس قدرت سیاسی است.

۸ - مبارزه در راه بسیج طبقه کارگر و دیگر اقشار روطبقات خلق تحسنت رهبری پیشاهنگ طبقه کارگر، مبارزه در راه وحدت همه نیروها و سوسیالیسم علمی در حزب و احاطه طبقه کارگر ایران، مبارزه در راه تأمین اتحاد همه نیروهای مترقی، دموکراتیک و انقلابی در یک جبهه و احدا ضرورت عاجل دارد. اتحاد نیروهای محرکه انقلاب شاملوده این جبهه است. جبهه و احدا بر اساس بر نامه مشترکی که مورد توافق همه نیروهای آن قرار می گیرد، تشکیل می شود. سازمان بر نامه خود را بعنوان بر نامه ایسین جبهه پیشنهاد می کند.

در راه رسیدن به این جبهه سازمان از تأمین و گسترش همکاری و اتحاد عمل با همه نیروهای ترقیخواه کشور علیه رژیم استقبال می کند.

۱۰ - رژیم جمهوری اسلامی امکان اعمال اراده مردم را با سرکوب قهرآمیز سلب کرده است، تنها راه انتقال قدرت سیاسی به خلق اعمال قهر است. لذا سازمان آماده ساختن توده های خلق را برای مبارزه مسلحانه به منظور سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی و طبقه خود می داند. در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی می توان تمام اشکال مسالمت آمیز و قهرآمیز مبارزه را بکار گرفت.

منطقه اعلام می دارد.

مبارزه مشترک خلقهای ما علیه جنگ خانمانسوز و در راه برقراری صلح، سرنوشت خلقهای ما را بهم پیوند زده است. قطع جنگ ایران و عراق که برای زحمتکشان هر دو کشور چیزی جز سه روزی و قریباً نیهایی بیشمار همراه نیسارد است، از هدف های مشترک ما و شماست؛ اکنون که نفرت از جنگ و سیاستهای جنگ طلبانه و ضد خلقی رژیم های ایران و عراق در دل خلقهای ما شدید و شدیدتر می شود؛ بیچارگان بزرگ مردم دو کشور ما علیه جنگ و در راه سرنوشتی رژیمهای استبدادی ایران و عراق و استقرار رژیم های دموکراتیک بر پایه خواست و اراده آزاد مردم کشورهای ما گسترش روز افزونی می یابد. پلنوم وسیع اهمیت خاصی برای گسترش مبارزه مردم ایران در راه صلح و آزادی قایل گردید. همه نیروهای انقلابی، فدائیان لیست و دموکرات ایران را که در راه صلح و آزادی و علیه رژیم استبداد مذهبی خمینی بپیکار می کنند به اتحاد در مجویانه فراخوانده است.

ما با اطمینان به پیروزی و آینده تابناک خلقهای ما با همه توان در راه تحقق آماج های مشترک بپیکار می کنیم. یقین داریم که روابط صمیمانه بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بین سازمان ما و حزب برادر حزب کمونیست عراق، و مساعده های متقابل به جنبش انقلابی خلقهای دو کشور و پیروزی زحمتکشان ما را نزدیک تر خواهد کرد.

پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مراتب همبستگی رفیقانه و انترناسیونالیستی خود را به شما رفقای کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق و از طریق شما به همه اعماق و هواداران حزب شما و همه انقلابیون و نیروهای میهن پرست عراق که نبردی قهرمانانه و قهرآمیز را علیه رژیم سرکوبگر و آزادی گش حاکم بر عراق به پیش می برند، ابراز می نماید.

رفقای گرامسی!

محافل ارتجاعی امپریالیستی که با تشدید تها و زگرایی خود علیه خلقهای جهان و شعله ورنگه داشتن جنگهای منطقه ای صلح جهانی را به خطر انداخته اند؛ با بهره گیری از تداوم جنگ ایران و عراق برای پیشبرد سیاستهای توطئه گرانه خود در منطقه خاورمیانه، تها و زدندنتها علیه خلقهای فلسطین و لبنان و گسترش جنگهای برادر کشی در لبنان، از مردم سلب و خوارتھای جانگاہی متوجه مردم و کشورهای این منطقه کرده اند. پلنوم مراتب انزجار خود را از این دندمنشی های امپریالیسم و صهیونیسم و عمل آن و ارتجاع

مستحکم تر با دپیوندا نترنا سیونالیستی حزب کمونیست عراق و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با دروهای رفیقانه پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) فروردین ۱۳۶۵

گزارش هیأت سیاسی به پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره فعالیت سازمان در میان دوپلنوم

رفقای ارجمند!

هیأت سیاسی منتخب پلنوم مهرماه ۱۳۶۲ کمیته مرکزی، از نخستین روز همه تلاشهایش را متوجه آن کرده که مصوبات پلنوم اجرا کرده و برپا به تصمیمات پلنوم مهرماه به نیا زهای فزاینده جنبش کمونیستی و انقلابی میهنان با پاسخ داده شود. این تلاشها همانگونه که در همین گزارش منعکس است درین راه ای جهات به موفقیت رسیدولی در برخی عرصه ها به نتایج مطلوب دست نیافتند. در مواردی نیز تصمیمات متخذه در پلنوم مهر ۶۲ اجرا در نیامد.

درواقع، در مسیر پیشرفت کارها و اما به تلاشها، هرچه بیشتر آشکار گردید که اصولاً تا مین منا عدترین و بهترین وضعیت برای فعالیت سازمان در پیش و قیسل از همه درگروپها سخه یک رشته مسایل گری سازمان و جنبش کمونیستی و کارگری میهنان است. مسایلی که پاسخ گویی به آنها امکان میدهد تا سازمان نقش واقعی و شایسته خود را در جنبش کمونیستی و انقلابی کشور ایفا نماید. از همین روطی دوره مذکور بخش بزرگی از نیرو و توان سازمان بدرستی مصروف نشد و بررسی سیاست و برپا به سازمان در سالهای ۶۱ - ۱۳۵۷، شناخت خطاها به منظور غلبه بر هرگونه انحرافات اسیاست مستقل پرولتاریا و طراحی استراتژی و تاکتیک سازمان برای مرحله کنونی نبرد انقلابی میهنان گردید. تلاش سترگ و کار سخت کوشانه در این زمینه، گرچه موجب اختلالاتی در فعالیت روزمره سازمان شد، معضله در درک ژرف تراصول و موازین مارکسیستی - لنینیستی و کاربست آن در هدایت ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی سازمان، ما را توانمندتر کرده است.

اکنون بر عهده پلنوم وسیع است که این دستاوردهای ارزشمند را تثبیت و راه آینده پیروزمندانه ما را تعیین و خلق را بگشاید.

اینک فعالیت یک سال و نیمه سازمان در عرصه های مختلف را به اجمال مرور می کنیم:

الف: فعالیت سیاسی

در عرصه سیاسی ضرورت تا مین حضور فعال سیاسی سازمان پیشا روی هیأت سیاسی قرار داشت. حدت اوضاع سیاسی کشور ایجاب می نمود که در راه پاسخویی به این ضرورت عاجل، همه امکانات سازمان بکار گرفته شود.

دوره مورد گزارش نشربه کار بطور منظم انتشار یافت و کوشیدنی تحلیل و ارزیابی روند تحول اوضاع سیاسی کشور و رایده و هموهدهای مشخص، در هدایت جنبش انقلابی مردم ایران نقش موثری ایفا نمود. در این دوره دستگناه رهبری سازمان با نارسایی های در امر هدایت سیاسی و ایدئولوژیک سازمان و مجموعه جنبش و برپا به سازمان از آن شکه نشربه کار با وظایف ترویجی برخورد فعال داشته باشد، نشربه کار با تیراز بیست هزار کماکان موقعیت خود را به دست آورده است. در نتیجه فعالیت در امر سرکشور ترویج می گردد. حفظ کرده است.

دوره مورد گزارش هیأت سیاسی از طریق انتشار پیام ها، بیانیه ها، اعلامیه ها و تراکت ها، در جهت هدایت جنبش اعتراضی و مطالباتی کارگران و زمینداران و تشکین نقش موثری ایفا نمود.

راید یوز محکمان ایران را دیوی مشترک سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران که در فروردین ۶۳ تا سین شد بطور مستقیم به کار خود ادامه داد. ضرورت تقویت همه جانبه را دیوز محکمان را به ویژه صدای آن کماکان به قوت خود باقی است. هیأت سیاسی همچنان با پاسخ به این ضرورت را تیار می گرد.

در این دوره فعالیت تبلیغی و افشاگرانه و اجدهای سازمانی در سطح کشور حول شعارهای کمیته مرکزی بگوشه ای چشمگیر گسترش یافت و بسیاری از واحدهای سازمانی در زمینه تبلیغات به اقدامات مستکراه دست زدند. کوشش های سازمان کارها، اعضا و هواداران سازمان در سطح کشور که در شرایط سنگین تروپلیسی بیگیرانه به تبلیغ و معرفی مواضع سازمان و افشای همه جانبه رژیم جنگ طلب خمینی همت گماشتند، ستایش انگیز است. سازمان ما طی دوره میان دوپلنوم از نظر سطح شعاری و سیاسی، انتشار تراکت ها، اعلامیه ها، نشریات و اوراق تبلیغی در میان توده ها، پیشا پیش همه نیروهای سیاسی کشور حرکت کرده است.

در این دوره فعالیت تبلیغی و افشاگرانه و اجدهای سازمانی در سطح کشور حول شعارهای کمیته مرکزی بگوشه ای چشمگیر گسترش یافت و بسیاری از واحدهای سازمانی در زمینه تبلیغات به اقدامات مستکراه دست زدند. کوشش های سازمان کارها، اعضا و هواداران سازمان در سطح کشور که در شرایط سنگین تروپلیسی بیگیرانه به تبلیغ و معرفی مواضع سازمان و افشای همه جانبه رژیم جنگ طلب خمینی همت گماشتند، ستایش انگیز است. سازمان ما طی دوره میان دوپلنوم از نظر سطح شعاری و سیاسی، انتشار تراکت ها، اعلامیه ها، نشریات و اوراق تبلیغی در میان توده ها، پیشا پیش همه نیروهای سیاسی کشور حرکت کرده است.

دوره مورد گزارش، فعالیت سازمان در خارج کشور به میزان قابل توجهی گسترش یافت. نشریه هفتگی "اکثریت" که بعنوان نشریه هواداران منتشر می شد، به مثابه نشریه سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در خارج کشور تجدیدیه سازمان یافت و توانست با ارتقا سطح کیفی خود و انعکاس اخبار مبارزات مردم ایران و مبارزات ایرانیان مقیم خارج کشور علیه رژیم ترور و اختناق خمینی نقش موثری در معرفی مواضع سازمان در خارج کشور به عهده گیرد.

انتشار "بولتن بین المللی" به زبان انگلیسی کام دیگری در جهت گسترش فعالیت بین المللی سازمان بود. این بولتن بطور منظم انتشار می یابد و در ارتعکاس رویدادهای کشور و گزارش مواضع و فعالیت سازمان در جهان نقش موثری ایفا می کند.

در این دوره روابط سازمان با احزاب کمونیستی و کارگری جهان وسیعاً گسترش یافت. ملاقات های متعدد در سطح رهبری انجام گرفت و پیرامون مسایل مورد علاقه طرفین تبادل نظر بعمل آمد. روابط اختراستی با لیستی سازمان بیش از دوره های مشابه قبلی گسترش یافت. هیأت نمایندگان سازمان در کنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی و نیز در کنگره نوبتی برخی احزاب برادر شرکت نمود. در اسفند سال ۶۴ سازمان فداییان خلق ایران

(اکثریت) - حزب توده ایران، حزب کمونیست عراق و حزب کمونیست ترکیه مشترکاً به انتشار اعلامیه ای مبادرت ورزیدند که طی آن مواضع یگانه امضا کنندگان در پیرامون جنگ ایران و عراق، مساله کردستان و رژیم های فئودالی و فئودالیسم را به صراحت اعلام گردید.

شرکت موثر هیأت نمایندگان سازمان فدایی خلق ایران (اکثریت) برای اولین بار در فرستبوال جهانی جوانان و دانشجویان در مسکو از اهمیت ویژه ای برای گسترش مناسبات بین المللی و کسب تجربه در این زمینه برخوردار بوده است.

هیأت نمایندگان سازمان با شرکت فعال در اجلاسها و کنفرانس های سازمانهای دموکرات و مترقی در سطح بین المللی نقش موثری در افشای جنایات رژیم ایفا نمودند.

دوره مورد گزارش در زمینه نشریات ترویجی کمبودهای جدی و جسود داشته است. در این دوره تنها دوشماره از نشریه "موزهای انقلاب" و سوسیالیسم منتشر شد. تدارکات هیأت سیاسی برای گسترش فعالیت ترویجی در قالب یک نشریه شورویک به نتیجه نیا نجا میدوسا زمان موفق به انتشار آن نگردید.

از عوامل اصلی ضعف کار ترویجی رهبری سازمان آن بود که هیأت سیاسی درجهان سازمان تگری مباحث گسترده شورویک - سیاسی حول بررسی سیاست و برپا به سازمان در سالهای ۶۱ - ۵۷ دربرابرین ضرورت قرار گرفت که درک عمیق تری از چگونگی گسترش روندهای انقلابی در جامعه ما بدست دهد. امری که مستلزم کار نسبتاً گسترده و مسئولانه ای بود.

استادی که اکنون به پلنوم ارا به شده است دستاوردهای ماسست در این اسناد درجهان تا ساسی به مسایل مطرحه پاسخ های اصولی ارا بیسته شده است. تدقیق و تصویب این اسناد توسط پلنوم وسیع برای گسترش فعالیت ترویجی سازمان را به می گشاید و به رهبری سازمان امکان می دهد که در عرصه فعالیت ایدئولوژیک و در مبارزه با انحرافات "چپ" و راست اسیاست مستقل طبقه کارگر سهم شایسته خود را ایفا نماید.

در قاصه دوپلنوم، سازمان در اجرای تصمیمات پلنوم مهر ۶۳ تلاش کرد و مشا و ره همکاری میان سازمان و حزب توده ایران در سطوح مختلف حفظ شده و گسترش یابد. کمیته هماهنگی که در آستانه پلنوم مهرماه ۶۳ بمنظور تبادل نظر و مشاوره در جهت حفظ و گسترش وحدت فکری و سیاسی و هدایت امر همکاری و اتحاد عمل میان سازمان و حزب تشکیل شده بود، در دوره مورد گزارش با دشواریها و نارسایی های روبرو بوده است. در این دوره محققان توجیهی از فعالیت هیأت سیاسی به بررسی مسایل مربوط به تنظیم مناسبات سازمان و حزب و همکاریهای متقابل اخصا یافت. هیأت سیاسی کوشید که مسایل بنمیزور را برپا به تحکیم روابط متقابل حل کند.

هیأت سیاسی در جهت بهبود روابط با سازمانهای چپ کشور به تلاشهای مسئولانه ای دست زد تا زمینه های همکاری متقابل علیه رژیم در راه اهداف مشترک فراهم نماید. اگرچه در آستانه پلنوم مهرماه ۶۳ با بعضی از سازمانهای چپی نتیجه نبوده است، اما متاسفانه علیرغم نیازهای بنیم جنبش و علیرغم وجود بسیاری از اشعارها و اهداف مشترک این سازمانها در حفظ مواضع خصمانه نسبت به سازمان همچنان اصرار می ورزند.

هیأت سیاسی در جهت برقراری مناسبات و همکاری و اتحاد عمل با حزب دموکرات کردستان ایران نیز کوششهای لازم بعمل آورد. با آنکه رهبری حزب دموکرات کردستان ایران نیز لزوم تشکیل جبهه دموکراتیک فدا مبریا لیستی متشکل از همه نیروهای فدا مبریا لیستی و دموکراتیک کشور را کید دارد. فدا خوان اتحاد جویان ما از سوی آن هنوز پاسخ ما مانده است. از سوی سازمان بمنظور برقراری روابط سازنده با برخی نیروهای متعلق به خلقهای تحت ستم ایران نیز اقداماتی صورت گرفت که به نتایج شمر بخش همراه بود.

هیأت سیاسی همچنین سازمان را مجاهدین خلق ایران را به مبارزه متحدانه در راه سرنگونی رژیم خمینی و سایر اهداف مشترک فرا خوانده است. فدا خوان های ما تاکنون با ستیزه جویی های مبتذل مواجه بوده و رهبری ما هدین همچنان بر مواضع خصمانه نسبت به سازمان اصرار می ورزد.

هیأت سیاسی عمیقاً اعتقاد دارد که علیرغم دشواریهای موجود بدلیل اهمیت اساسی مساله اتحاد نیروها برای سرنگونی رژیم و انجام تحول انقلابی دموکراتیک در کشور، تلاش های اتحاد جویانه و سیاست ورش برخورد مسئولانه نسبت به همه نیروهای مترقی کشور که بر اساس اتحاد و اشتقاق استوار است با یستی همچنان بیگیرانه دنبال شود.

هیأت سیاسی در دوره مورد گزارش همه محافل دموکرات و ترقی خواه جهان را به گسترش مبارزه بمنظور تقویت جنگ ما را اجاویانه و ارتجایی ایران و عراق و نجات جهان زندانیان سیاسی ایران فرا خواند. در پاسخ به این فدا خوان ها دهها حرکت اعتراضی و تظاهرات از سوی محافل دموکرات و انقلابی جهان در اعتراض به سیاست ادا به جنگ رژیم خمینی و شکست و اعدام انقلابیون ایران درگیری از کشورهای جهان برقرار گردید. شکست های دموکرات و انقلابی جمهوری خواهان قطع بلادرنگ جنگ و آزادی آن دسته از رفقای رهبری سازمان که در معرض خطر اعدامند، شدند.

دوره مورد گزارش، هیأت سیاسی برای گوا میداشت با نزد همین سالگرد بنیانگذاری سازمان اهمیت ویژه ای قابل شد. فراخوان های هیأت سیاسی بمناسبت پا نزد همین سالگرد بنیانگذاری سازمان در جهت گسترش فعالیت و افزایش اعتبار و نفوذ سازمان تا شیر کرد. فعالیت سازمان را نیا راتسه با گسترش فعالیت تبلیغی سیاسی خود را کید بنیانگذاری سازمان خود را گرامی داشتند. جشنهای پا نزد همین سالگرد بنیانگذاری سازمان در ۱۸ کشور جهان برگزار گردید و بیش از ۱۵ هزار سازمان را کید بنیانگذاری سازمان در سطح کمیته مرکزی پیام های شادباش ارسال داشتند.

تدارک پلنوم وسیع کنونی سنگین ترین وظیفه ای بوده است که در تمام دوره مورد بحث بر عهده هیأت سیاسی قرار داشته است. هیأت سیاسی علاوه بر تنظیم اسناد دیر اهمیت مربوط به بررسی خط مشی گذشته، طرح استراتژی و تاکتیک سده مربوط به تشکیل نخستین کنگره سازمان را نیز، که پلنوم مهرماه ۶۳ بر عهده وی نهاده بود، به پلنوم ارا به داده است.

قطبنا به دربار و وحدت جنبش کارگری و کمونیستی ایران در دستور کار پلنوم قرار دارد. گزارش مربوط به کار کمیسیون برپا به ما ستان به ضرورت ادا به کار این کمیسیونها تا کید می کند. هیأت سیاسی جهت تدقیق سیاست سازمان در قبال گروه های سیاسی کشور، بررسی همه جانبه مواضع این گروهها را در دستور کار خود قرار داد. نتایج حاصله در این زمینه که به پلنوم وسیع گزارش می شود سازمان امکان می دهد که سیاست درست و از نقطه نظر اصولی استحکامی را در قبال نیروهای سیاسی کشور تا کید کند.

نظریه اهمیت موضوعات در دستور پلنوم، هیات سیاسی تصمیم گرفت پلنوم کنونی را به یک سو تغییر بدهد، به این منظور گروهی از کارکنان سازمان به پلنوم کمیته مرکزی دعوت شدند. اکنون این رفقا در پلنوم حضور دارند. حضور این تعداد از کارکنان در پلنوم، وسیع کمیته مرکزی سازمان و شرکت غیر مستقیم بخش وسیعی از کارکنان سازمان در این مباحثات است. توسط هیات سیاسی سازمان یافت، در جهت ارتقاء سطح کیفی آگاهیه و تجربه کارکنان و تحکیم پیوند با دستگای رهبری سازمان تأثیر کرده است.

ب: فعالیت سازمان در زمینه سازمان نگرینی جنبش توده ای

پلنوم مهرماه ۱۳۶۴ بر تمرکز قوای سازمان در مراکز کارگری تأکید کرده بود. تحکیم پیوندهای توده ای سازمان در مداخلات ما قرار داشت. انجام پیگیری به این وظیفه در شرایطی که بر اثر سرکوب سبانه رژیم خون آشام خمینی به ارتباط توده ای سازمان نگرینی و ارتقاء آگاهی و آید بود از یک سو دشوار و از سوی دیگر بسیار حیاتی بود. در پاسخ به این وظیفه حیاتی و دشوار ضرورت تشکیل هسته های مخفی کارگری در دستور کار سازمان نگرانه فعالین سازمان قرار گرفت. اعتبار بزرگ ذواب آهن و چندین واحد بزرگ صنعتی کشور اهمیت سرشت سازمان تحکیم پیوند سازمان با جنبش توده ای کارگری را بنحوی برجسته تر آشکار ساخت. در همین رابطه بود که کلیه فعالین سازمان به شرکت فعالانسه و گسترده در جنبش اعتراضی و مطالبات کارگری و توده ای فراخوانده شدند. مبارزه در راه ایجاد شکل های مستقل کارگری و حضور فعال در تشکلهای موجود مقابل با اخراج کارکنان و مبارزه علیه قانون کار ارتجاعی و شورای اسلامی کار، مبارزه بسیاری از فعالیت های دستمزدها و بویژه تلاش وسیع برای سازمان نگرینی مبارزات کارکنان علیه جنبش و عرصه های اصلی فعالیت ما در جنبش کارگری و افزایش اهمیت کارگری در رژیم و طرح و پیگیری خواسته های کارکنان نقش فعال ایفا نمودند.

ایجاد گسترش هسته های مخفی کارگری همچنان در مرکز سیاست سندیگای پسی سازمان قرار دارد. دستگای رهبری فعالین سازمان می بایست به کار سازمان نگرانه توده ای در میان کارکنان توجه جدی تری نمایند. رهبری سازمان می بایست با اختتام به تنها کارهای بیشتر بلکه بهترین کارها به این عرصه حیاتی، موفقیت سازمان را در جنبش کارگری بیش از پیش تقویت نماید. ما امیدواریم که اسناد شوریک و سیاسی رهنمودهای پلنوم وسیع در این عرصه هم از فعالیت سازمان راه غلبه بر دشواریها را بگشاید. مبارزه دهقانان برای حفظ زمین های تقسیم شده و جلوگیری از بازگشت ملاکین به روستاها، در سال گذشته نیز ادامه یافت. تسلط ارتجاع و سرکوب مقاومت دهقانان و فشار زیاد رومسای به دشواریها کار در زمینه مستحکم کردن دهقانان افزوده است. عدم توجه کارکنان سازمان به این عرصه فعالیت موجب تنزل سطح ارتباطات ما با روستاها گردید. ما باید راه های سازمانگری جنبش دهقانان در شرایط جدید را با ابتکار و خلاقیت کشف و راه غلبه بر مشکلات را بیابیم. فعالین سازمان باید اهمیت کار در میان دهقانان را بیش از پیش درک کنند.

در زمینه فعالیت در جنبش دموکراتیک زنان، افشای قساوتها و رژیم خمینی علیه زنان در مرکز و روشنگری انقلابی ما قرار داشت. در جهت جلب پشتیبانی زنان دموکرات جهان از مبارزات زنان ایران کوشش های صورت گرفت. اما این کوشش ها بدلیل مشکلاتی که در رابطه با تشکلات دموکراتیک زنان پدید آمد نتوانست از بارزده مناسب برخوردار شود. پدیده منفی و نگران کننده است که پس از سال ۶۱ سهم و نقش زنان در تشکلات سازمان نگرانی کاهش یافته است. کاهش سطح فعالیت و مسئولیت زنان در تشکلات به نقشی و تا شایسته سازمان در مبارزه زنان و کار توده ای لطمه زده است. اکنون بویژه ضروری است موانعی که بر سر راه شرکت فعال زنان فدا بی برای شرکت و مشارکت در جنبش زنان کشور وجود دارد برطرف شود. رهبری سازمان امکانات و تمهیدات لازم را به منظور شرکت فعال زنان فدا بی در این جنبش دموکراتیک فراهم آورد.

از فعالیت های مثبت این دوره انتشار مجدد نشریه پیشگام ارگان سازمان جوانان فدا بی ایران (اکثریت) و بخش توزیع آن در داخل کشور بوده است. با انتشار ماهیانه نشریه پیشگام فعالیت سازمان در میان جوانان کشور گسترش یافت. توده وسیع جوانان با توجه به جوان بودن ترکیب جمعیتی کشور از سوی فعال و جوانان کشور در مبارزه علیه ارتجاع و مستحکم سازی رژیم و تلاش وسیعی را برای تجدید سازمان جوانان فدا بی از مطالب می کنند. توجه به این مهم در این دوره در دستور کار هیات سیاسی قرار گرفت. کاری که آغاز شده است در مقامی بسیار آنگاه که باید انجام پذیرد تا چیزی است است تا سازمان به یک سازمان سرسری که هم وظایف خود را تحت هدایت عمومی رهبری سازمان برعهده گیرد، تبدیل شود. هیات سیاسی بر این اعتقاد است که علیرغم انبوه مشکلات و بیقراریها، این کار ممکن و بسیار ضروری است. جوانان فدا بی نیروی ذخیره سازمان اند. این حقیقت گویای اهمیت گسترش فعالیت سازمان در میان جوانان کشور است.

در عرصه کار در میان ملیت های ساکن کشورهای بی به تصویب هیات سیاسی رسیده و تلاش های بی برای گسترش فعالیت سازمان در کردستان، بلوچستان، ترکمن صحرا صورت گرفته است. ضرورت گسترش فعالیت سازمان در میان اقلیت های ملی و مذهبی کشور کاملاً احساس می شود. سازمان باید در دوره آتی گام های بلندی در این زمینه به پیش بردارد.

در سازمان های فعالیت توده ای، کار فعال در میان دانشجویان، نیروهای مسلح، پزشکان، کارمندان و بویژه دانشجویان و معلمان کشور که قبلاً از پیگیری های عمده نیروهای چپ کشور بوده اند، با دشواریهای گوناگون مواجه بوده است. بخش عمده ای از این دشواریها البته معلول سیاست ضد دموکراتیک و سرکوبگرانه حاکمیت بوده است. اما نمی توان پرده پوشی کرد که ضعف سازمان ما در تلقین مبتکرانه و اصولی کار عملی و مخفی و عدم بهره گیری ضروری از امکانات عملاً موجود در جهت گسترش فعالیت های توده ای نقش مهمی در این ناکامی بازی کرده و می کند. هیات سیاسی معضلات علیرغم مشکلات و دشواریهای موجود، اقداماتی می نماید با هدف اشکال و روش های مناسب مبارزه، با آرا به رهنمودها و طرح شعارهای مناسب در جهت سازمان نگرینی این بخش وسیع نیروهای شرکت کننده در جنبش دموکراتیک میهنان و مجدداً توسعه کوشش کنیم. واحدهای سازمان در سطح کشور باید توجه ویژه ای به این زمینه فعالیت مبدول دارند.

رفقای!

در دوره مورد گزارش فعالین سازمان با فداکاری ستایش انگیز در جنبش توده ای ضد جنگ شرکت ورزیدند. تراکت ها و اعلامیه های سازمان در سراسر کشور بطور مستمر انتشار یافت که همه مردم را علیه جنگ و برای صلح به مبارزه پیگیر فرامی خواند. فعالین سازمان با بویژه در محیط های کارگری و زحمتکش نشین در سراسر سازمان نگرینی جنبش توده ای ضد جنگ فعالانسه شرکت داشتند. نفسان دادن

مصائب جنگ، افشای ماهیت فدا بی و ضد مردمی سیاست ادا ماه جنگ بویژه روشنگری انقلابی پیرامون این حقیقت که چگونه جنگ در خدمت اهداف امپریالیسم در منطقه و تحکیم مواضع طبقات و نیروهای ارتجاعی جامعه است، در انفرادهای رهبران رژیم و گسترش و ژرفش مبارزات مردم در امر روشنی جمهوری اسلامی نقش بزرگی ایفا کرده است. شرکت و حضور فعال سازمان در جنبش توده ای ضد جنگ و هدایت آن دارای اهمیت اساسی است که می بایستی همچنان گسترش بیابد.

ج: فعالیت در زمینه کار تشکلاتی

طی سال ۱۳۶۴ از طریق احیا و بازسازی شعب کمیته مرکزی در جهت تکمیل ساختار سازمانی دستگای رهبری کوششهای موثری صورت گرفت، بطوری که بسه تقویت نقش و تا شایسته سازمان در دهدها بت جنبش انقلابی مردم ایران با یاری رساند. پلنوم مهرماه ۶۳ سیاست عدم تمرکز تشکلاتی را مورد تأیید قرار داده بود. هیات سیاسی در انطباق اصل عدم تمرکز با وضعیت مشخص تشکلات سازمان بسا توجه به تشدید شرایط خفان و سرکوب و با توجه به ساختار تشکلاتی موجود و جمع بست تجارب به تکمیل و تصدیق طرح تشکلاتی بر اساس اصل عدم تمرکز اقدام نمود.

جهت این طرح از سوی متوجه افزایش درجه امنیت، کیفیت و قدرت رهبری واحدهای تشکلات در سطح کشور از سوی دیگر تحکیم رابطه آنها با دستگای رهبری و با مبارزات توده ای بود که علیرغم برخی موفقیتها می توان گفت که با نتیجه مطلوب هنوز فاصله وجود دارد.

در این دوره نیز با توجه به پیگرد گسترده بلای سیاسی، افزایش خطر شناسایی، تشدید مراقبت و بازداشت کارکنان سازمان، مسائلی حفاظت تشکلات در مراکز اقدامات و تداوم بی تشکلاتی قرار داشتند. تحکیم رابطه رهبری با واحدهای سازمانی نیز از اهم مسائلی در دستور رهبری سازمان بود. است. در این زمینه ها علاوه بر تداوم بی تشکلاتی ضروری، یک سلسله آموزشها برای مقابله با بلای سیاسی، رهبری تشکلاتی و کار توده ای تدارک دیده شد و سمایه جادو آمد.

در دوره مورد گزارش از سوی کارکنان و فعالین سازمان در جنبش کردن نقشه های سرکوبگرانه رژیم که متوجه متلاشی ساختن واحدهای سازمانی مایه تلاش های رزمجویانه ستایش انگیزی صورت گرفت. پیکار فداکارانه و جانبازانه فعالین ما این امکان را پدید آورد که سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) بیما به گردان پیشاهنگ طبقه کارگر ایران در جنبش انقلابی خلق حضور فزاینده خود را تثبیت کند و موقعیت خود را تحکیم نماید.

رفقای!

در این دوره هیات سیاسی کوشید تا تشکلات سازمان در خارج کشور را با اختصاص کار در تجدید سازمان آن تقویت نماید. اما با بدتای کید کنیم کمیته مشکلات تشکلات سازمان در خارج کشور بویژه دشواریهای مسایلی که اعضا و هواداران سازمان در مهاجرت با آن دست یگریا نند، توجه جدی تر به حل مشکلات آنها را طلب می کند.

پدیده مهاجرت سیاسی، بمنابا شکل انزیزد انقلاهی در برابر روبروش ارتجاع البته دشواریها و بیقراریهای خاص خود را دارد. اما با بدتای بدینها کرد که بی تجربگی رهبری سازمان در دهدها بت طبق نقشه مهاجرت بنوبه خود بی دشواریها افزوده است. علاوه بر این مهاجرت های که بنا به تصمیم شخصی انجام میگیرد به عوارض منفی منجر می شود. بر این اساس هیات سیاسی بسه تشکلات رهنمود داده است که برای رفقایی که با مشکلات امنیتی مواجه می شوند حداکثر امکانات بکار گرفته شود تا با تغییر محل کار روزندگی و سایر تمهیدات از مهاجرت بی هدف جلوگیری بعمل آید.

رهبری سازمان با محاسبه واقع بینانه امکانات می کوشد در جهت غلبه بر مشکلات ناشی از مهاجرت، به رفقای مهاجر سازمان با یاری رساند. قرار داد بیش از پیش نیروی رزمجویانه این بخش از رفقای ما در خدمت جنبش انقلابی میهنان، در مرکز توجه رهبری سازمان قرار دارد.

رفقای!

در دوره قبل از پلنوم مهر ۶۳ سازمان با مشکلات مالی جدی روبرو بود. طی دوره مورد گزارش وضع مالی سازمان با تلاش و فداکاری توده اعضا و هواداران بطور نسبی بهبود یافت. لیکن با یستی در نظر داشت که بسیاری باسکویی به ضرورت های گسترش امکانات مالی، مشکلات و موانع کماکان وجود دارند. بطور قطع باید گفت که تنگنا های مالی در عمل به یکی از موانع جدی گسترش کمی و کیفی فعالیت سازمان تبدیل شده است.

رفقای ارجمند!

چنانکه گزارش نشان می دهد، سازمان ما در حالی که طی این دوره با اختناق و سرکوب وحشیانه رژیم مواجه بوده اما مجدداً کوشیده است تا بسه وظایف انقلابی خود عمل کند. در یکسال و دینیم گذشته، با رفیق منصور (محمد رضا غابریایی) عضو مشاور هیات سیاسی و رفیق رضی الدین تابان عضو مشاور کمیته مرکزی را همسراه با عده ای از بهترین رفقایمان در راه برافراشته نگاهداشتن پرچم مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، در راه دفاع سرفرازانه از منافع طبقه کارگر و توده زحمتکش از دست دادیم. در این دوره همه ما در پیکار علیه ارتجاع خمینی با فداکاری و جانبازی و با همه هستی خویش در راه آزادیهای وائی طبقه کارگر و توده های در بند و محنت کشیده میهنان و زمینم لفظی از بنا تا بسا داریم، حاصل همه این تلاشها، با میزان افزایش نفوذ و اعتبار و حضور سازمان در میان توده ها و نیروهای مترقی، زیک سو با درجه تحکیم موقعیت سازمان در خانواده احزاب کمونیست و کارگری از سوی دیگر قابل شمس است. اما بسا برنده، همه ما بر آنیم که سازمان با بدبخوا ندی دوره آتی فعالیت خود با برپاداشتن گام های بلندتری هم فعالیت سیاسی خود را گسترش دهیم با کار بست تداوم اشکال مناسب فعالیت سازمانی در شرایط ترور و اختناق حاکم بر کشور ما سازمان نگرانه توده ای و بویژه کار در جهت تحکیم پیوند سازمان با طبقه کارگر میهنان را بنحوی گسترش و توسعه بختد.

رفقای!

مجموعه اسناد عرضه شده به این پلنوم وسیع تاریخی مویدان است که ما کوشیده ایم با تکیه بر سنن ارزشمند و دیرپای فداییان خلق یعنی پیوندگویی انقلابی، صداقت رزمجویانه و اشتقا دجا ما نه از خطاها و انحرافات در راه بسا آینه پیش رویم. برای ما فداییان خلق همواره و این بار نیز زنی خطا های گذشته با اشکال راه ظرفیتمون آینه معنی پیدا کرده و می کند. بینه در منبر

قطعه نامه پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره وظایف مبارزه در راه وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران

مبارزه در راه وحدت همه پیروان سوسیالیسم علمی در حزب واحد طبقه کارگر ایران بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و حول برنامہ و اساسنامہ واحد مبتنی است بر:

- مبارزه در راه حفظ و تحکیم و گسترش وحدت فکری و سیاسی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران گردانهای پیشاهنگ طبقه کارگر ایران با هدف ارتقاء آن به سطح وحدتی همه جانبه.

- مبارزه در راه تأمین وحدت فکری و سیاسی سازمان با سایر سازمانهای مارکسیست - لنینیست ایران بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری.

اتحاد عمل و مشاوره و همکاری همه پیروان سوسیالیسم علمی در مبارزه علیه رژیم، علیه امپریالیسم و سرمایه داری و در راه آزادی و برابری و اتحاد بین المللی و اتحاد بین المللی کمونیستی ایران را تقویت می کند و راه وحدت و نزدیکی کمونیستهای ایران را هموار می نماید. این امر تنها زمینه ساز جنبش کارگری و کمونیستی ایران است.

- سازمان پیگیرانه در راه گسترش همکاری، اتحاد عمل، مشاوره و همکاری میان سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران تلاش می کند.

- سازمان پیگیرانه در راه تأمین اتحاد عمل و همکاری و برقراری مناسبات با سایر سازمانهای مارکسیست - لنینیست ایران تلاش می کند.

کار بستن اشکال و شیوه های موثر و متنوع مبارزه ایدئولوژیک علیه هرگونه انحراف از مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، علیه هرگونه انحراف "چپ" و راست در جنبش کمونیستی و در راه حفظ پاکیزگی آن جایز اهمیت اساسی است.

تاریخ هیات سیاسی...
بقیه از صفحه ۷
رفقا!

هیات سیاسی فراخوان خود در جشن پانزده سالگی را با این عبارات تزیین داد: "لنین را بخوانیم" "بیا بییم در این پلنوم وسیع با رادیکالیزه این پیام تکیه کنیم".

اکنون در برابرمان نژاد همبند سال بنیادگذاری سازمان برافتخارمان، بسا هدف دستیابی به برنامہ استراتژی و تاکتیکی ظرفیتهای و راهگشا به سوی سوسیالیسم، با کوشش پیگیر در راه ارتقای روحیه رزمندگی انقلابی در مفسوف فداییان خلق، با تلاش در جهت هر چه محکم تر ساختن وحدت و تضامن سازمانی و با استواری در پیروان راه وحدت جنبش کمونیستی و کارگری میهنمان گام سنگین را برداریم تا بدین طریق برای رسیدن به راهی قطعی از هرگونه ستم و تبعیض طبقه ای و اجتماعی است، برآنیم که در پرتو آموزش های سترگ لنینیسم تاویل به پیروزی قطعی متحدینمان به پیش برویم.

قطعه نامه پلنوم وسیع کمیته مرکزی درباره تدارک کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پلنوم مهرماه ۱۳۶۳ کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به هیات سیاسی ما موریت داد که امکان برگزاری نخستین کنگره سازمان را از جانب مختلف بررسی نموده و نتایج را به پلنوم کمیته مرکزی گزارش نماید. پلنوم وسیع کمیته مرکزی با تأیید گزارش هیات سیاسی درباره امکان برگزاری کنگره و نظریه نقش و اهمیت ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی کنگره ضرورت آن را مورد تأیید قرار داد و دوقرار ذیل را صادر نمود:

الف:

- پلنوم وسیع کمیته مرکزی به هیات سیاسی ما موریت می دهد که برگزایی کنگره سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) را با یکا و رعایت تمام امکانات در محدوده زمانی معین شده تدارک ببیند و پیشرفت کار را به پلنوم آتی کمیته مرکزی گزارش نماید.

- استادی که در دستور کار کنگره قرار خواهد گرفت عبارتند از: ۱- برنامہ سازمان ۲- اساسنامہ سازمان ۳- گزارش کمیته مرکزی ۴- گزارش ارگانهای مرکزی ۵- بررسی تظاهرات اساسی مربوط به خط مشی سازمان در درسهای ۶۱ - ۵۷ که در پلنوم وسیع فروردین ۶۵ به تصویب رسیده است.

ب:

۱- هیات سیاسی موظف می گردد که در اولین فرصت اسناد ذیل را جهت تصویب در پلنوم آتی کمیته مرکزی آماده نماید. ۱- برنامہ سازمان ۲- اساسنامہ سازمان

بدین منظور به هیات سیاسی کمیته مرکزی ما موریت داده می شود با انتخاب کمیسیون هایی که تحت مسئولیت هیات سیاسی کار خواهد کرد در برنامہ و اساسنامہ را تهیه نماید. این اسناد پس از تصویب کمیته مرکزی جهت اظهار نظر عمومی انتشار خواهد یافت. این اسناد پس از تصویب کمیته مرکزی جهت اصلاحات و پیشنهادات آرایه شده صورت می گیرد توسط کمیته مرکزی تصویب و به کنگره آرایه خواهد شد.

۲- هیات سیاسی می بایست گزارشات و طرح های زیر را جهت بررسی و تصویب به پلنوم آتی کمیته مرکزی آرایه نماید:

الف - تعیین تعداد نمایندگان شرکت کننده در کنگره ضوابط و معیارهای عملی انتخاب آنان با توجه به شرایط

ب - طرح نحوه برگزاری اجلاس کنگره و نحوه گزینش کمیته مرکزی بسا توجه به اساسنامہ سازمان

ج - طرح کمیسیون تحقیق

میلیونی مردمی که زهر تلخ رژیم سفاک خمینی در کمان است شکوفه خواهد زد.
زننده با سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)!

برافراشته با پرچم مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری!
برقرار با دوحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران در حزبی واحد طبقه کارگر! پیروزی مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

مرگ برای امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم آمریکا!

رفقا!

در ایسن ۱۵ سال، ما فداییان خلق راه پررنگ و شکوهمندی را پشت سر نهاده ایم. ما از نیروی کوچکی که از ظلمت کده نظام پوسیده سلطنتی راه رهایی خلق خویش را جستجوی کرده سازمان سراسری نیرومندی فترا رویداده ایم که پرچم رسالت و مسئولیت تاریخی رهایی قطعی خلق خویش و رهبری پیروانمانه انقلاب ملی و دموکراتیک مردم ایران و گذر به سوسیالیسم را بردوش خود گرفته است.

تجربه انقلابی زندگی پانزده ساله مان نشان می دهد که پیروزی قطعی و ناگزیر زمان ما هر چند به بهای جان های عزیز بی شماری که از ما می ربایند سرتاج بردست های پهنه بسته کارگران و دهقانان، بردست های توده

به آیین آینده می آییم

همه، سلسله جنبان زمین است
چرا که کشته گان
ترانه هاشان را در توفان خوانده اند.
ریشه ها دیرزمانی ست تا در خاک عطسه می زنند
و درخت شعور در ظلمت می درخشد
معاصران من
زمین هزاران ساله را
از گرده بر زمین نهاده و
توفان را می نوشند
داستان ما، از اینگونه است.

خنجرها گلوها را می بوسند
داسها دستها را به دهان می برند.
دیری ست کوجه ها در قرق تا بوث ها بند
و جانوران گام نهاده در قلمرو آدمی
پیشانی بر سجاده جهل می ساینند.
ما را داستان از اینگونه است.

نادانی از فرما نرو خویش
مرگ محض را قربانی می فرستد
و ستم رگ بریده ما را می مکد.
سبد سبد شکوفه و ستاره و سورا
به آسمان تپی هدیه می کنند جلادان
و کاردی رنگ زده
در سینه عشق خلیده ست.

ما نمی
چهار طرفی بستند
آنانی که به غول آینه
کاغذین نیزه ایی برافکنند؟
و به اقیانوس زلال نور
کلوخی فرو بردند؟
چهار طرفی بستند
آنان که به کوههای باوقار
مشتی از سرباس کوفتند؟
ما می خوانیم
چنان که سرشت پرده و چشمه ست
می رویم
چنان که سرشت جنگل ست.
می مانیم، آسمان که شیوه حیات است
با سر نوشت رودها می رویم
به آیین آینده می آییم
زانکه پیشانی ما را عشق
برین تقدیر، نوشته ست!

ما نمی
قاصدک های بی راکه سفر می کردند بر پیشانی بادها.

با اینهمه

کار سازمانگرا نه در میان زنان

سلطه‌ها برانه حاکمیت قرون وسطایی ولایت فقیه هر روز با ابعاد فاجعه‌آمیزتری زندگی اکثریت زنان کشور را در تنگنا قرار می‌دهد. جنگ خانمانسوز داغدار کرده‌است. اختناق سیاه هر روز فرزند را از مادر می‌رباید تا در پناه محوهای مخوف رژیم بدست شکنجه و مرگ بسپارد. گزائی، بیکاری، فقر و فلاکت هزاران خانواده را از هستی ساقط کرده و مادران و کودکان را در جستجوی لقمه‌ای نان طعمه حرض و آرزوگشایان حاکم می‌گرداند. آوارگی و بی‌خانم‌ها بی‌گسترش فحشاء در میان زنان جنگ زده دامن می‌زند.

اکبرچینی فاجعه‌ای که هست و نیست زنان را بیدیده ما را مورد تهاجم قرار داده‌است. بی‌حقوقی آنان را در عرصه‌های مختلف زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و خانوادگی نیز غلظت می‌کند. نمای واقعی زندگی دردناک زنان در جامعه ما روشن‌تر می‌شود. سلب آزادی‌های فردی و اجتماعی زنان، طردن آنان از عرصه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی احیاء قوانین عدالتی در زمینه مناسبات خانوادگی و تبلیغ آشکار "تعدد زوجات" و "ادواج‌های موقت"، یعنی ترغیب مردان در پشت‌پازدن به بنیان خانواده و در یک کلام اعمال ستم و خبیثانه بر مبنای تبعیضات جنسی، امروز زنان ما را بطوریکه رجه به تعارض بینا رژیم می‌کشد تا در درون حاکمیت چندین ساله اش نه تنها بر تمام موازین پذیرفته شده بین المللی در رابطه با حقوق زنان پشت‌پازده، بلکه حقوق ناچیزی را هم که زنان طی سال‌ها مبارزه کسب کرده بودند از آنان سلب کرده‌است. چنین تعارض آشکاری اگر سازمان داده شود می‌تواند جنبش دموکراتیک و انقلابی زنان را علیه مظالم دستگاه خودکام ولایت فقیه بطور نیرومندی به حرکت درآورد.

کار سازمان یافته‌ای در میان زنان که می‌تواند بنیان "کارپایه" در جهت متشکلی و متحد شدن جنبش دموکراتیک زنان ایران نقش قطعی ایفا نماید می‌بایست با تمام نیرو و زحمت فعالین ما به پیش‌پا نهاده شود. تعداد و نارسایی و نواقص در انجام این وظیفه بسیار مهم به انفعال و سکون در سطح پاره‌ای از کارها و فعالین زن در سازمان‌های انقلابی دامن خواهد زد و نتایج زیانبار جبران‌ناپذیری ببار خواهد آورد. بنا نسایل انقلابی موجود در بین توده‌زنان و سطح مطالبات آنان در روحیه تعارضی و رزجی‌ها نه زنان زحمتکش گسترش هر چه پیدا می‌نماید فعالیت دموکراتیک و انقلابی در میان زنان کشور را از ما طلب می‌کند. انفعال و کم‌تجربگی در سطح فعالین آگاه و پیشرو زنان، جنبش دموکراتیک زنان ایران را از انجام وظایف خویش بازمی‌دارد و از نفوذ اندیشه و آگاهی انقلابی دموکراتیک و سوسیالیستی در میان توده‌زنان ممانعت بعمل می‌آورد.

برای پاسخگویی به مطالبات جنبش دموکراتیک زنان ایران، زنان فدایی، فعالین و کارکنان رزمنده سازمان ما، باید با توجه به امکانات رندیا بنده موجود در جهت احیاء و گسترش فعالیت‌های انقلابی خود در میان توده زنان میهن ما برآیند. در شرایط کنونی کار سازمان یافته توده‌ای در میان

زنان و وظیفه عاجل و ناخیرنا پذیر فعالین ما در هر سطح از جنبش توده‌ای و در هر گوشه زمین ما است.

کارها و فعالین زن در قدم اول باید در جهت ایجاد امکانات کار اجتماعی برای خود حرکت کنند. باید به هر قیمتی کار جدیدی را خانه‌اتر ترک گفت. به میان توده زنان رفت. اینجا دروازه‌ها باید زده‌ها می‌ماند تا معین کار اجتماعی بهترین شیوه برای سازمان دادن کار توده‌ای در میان زنان است. در کنار آن می‌توان از اشکال دیگر روابط اجتماعی که خلعت نا پایدارتری دارند استفاده نمود. فعالین زن با اشکال تکرار نشدنی موجود در میان اقشار و گروه‌های مختلف زنان و با توجه به تحلیفات و سنجش‌های مختلف از جایگزین‌های بهتر و شرایطی که در آن می‌آید می‌توانند در کنار آگاه‌ها و روشنفکران پیش‌بینی قبل از هر چیز باید با مناسبت و بر مبنای مسائلی و مشکلات زنان را در نظر گرفت و در جهت رفع آن با روش‌های مختلف به سطح آگاهی سیاسی و طبقاتی ارتقا داد. شرکت در محافل و نشست‌های زنان و قشری با کوشش برای ارتقای سطح آگاهی آنان به حقوق و دشواری‌ها و ارتقای سطح مطالبات آنان تا نام باشد. می‌توانند در خدمت تحکیم پیوند رزجی‌ها به سازمان با زنان کشورهای دیگر آنان به اهداف جنبش‌ها و گرایش زنان ایران درآید. آن دسته از فعالین زن که "خودجزم" خانواده‌های جنگ‌زده یا خانواده‌های شهید هستند و یا عزیزان آنان در شرایط تعارضی بینا زندگی می‌توانند در جهت سازمان دادن کار در میان زنان جنگ‌زده و خانواده‌های شهید و زندانیان سیاسی حرکت کنند و این محافل و کار توده‌ها را به عرصه کار سیاسی علیه رژیم بدل کنند.

برای جلب زنان به مبارزه باید توجه ویژه به مسائل و مشکلات هرمنف و گروه‌های آنان مینماید کرد. در کنار این مسائل می‌توان بر اساسی ترین موهوب‌ها که در حال حاضر مشکلات خاص زنان را تشکیل می‌دهد، تکیه کرد. یکی از این مشکلات مسائلی "تعدد زوجات" است که امروز بطور وسیعی در میان اقشار مختلف زنان مطرح می‌شود. احساس ناامنی و وحشت آنان را از منزلت شدن بنیان زندگیشان برمی‌انگیزد. زنان ما در محفل جمعی باید از حیثیت خانواده و حقوق و شرف انسانی زنستان دفاع کنند و به افشای احکام و قوانین ارتجاعی و زن ستیزانه حاکم جمهوری اسلامی بپردازند. تحصیل حجاب یکی از شدیدترین عرصه‌های تحقیر و ستم بر زنان است که بویژه زنان کارمند و کارگر و دانشجویان و محصلین علیه آن مبارزه خود را گسترش می‌دهند. ما باید بتوانیم بر چه مبارزه در این عرصه بسیار مهم را در همه جا به کف گیریم و مبارزه زنان علیه حجاب را بصورت سازمان یافته گسترش دهیم.

بدیهی است شکل کار باید متنطبق با سطح و وسع مطالبات و اشکال مبارزه زنان در هر منطقه باشد. تجربه نشان داده‌است که شیوه درست و اصولی زندگی خانوادگی رفقای ما، بویژه در محصلات زحمتکش نشین و رفته رفته رزجیده و متین آنها در محیط‌های کار، محلی است برای جلب زنان هم‌محل‌ها و همکاران. به عقایدات امیل انقلابی رفقا و ایجاد محیط مناسب برای تبلیغ افکار مترقی و نیز تبلیغ اهداف و شعارهای سازمان در میان زنان و خانواده‌ها

با ایجاد کار توده‌ای در محلات نظیر کلاسهای مناره با بیسواد، خیاطی، گلدوزی، گلکاری، آرایشگری، تزئینات و پانسمان و نظایر آن امکانات مناسبی برای برقراری ارتباطات موقت و دائمی با زنان می‌توانند ایجاد شوند. در این کارها و توده‌ها می‌تواند فعالیت‌های اجتماعی زنان می‌تواند از بنیان‌های سیاسی روز تا ایجاد حرکت برای همدردی با سیاسی‌زده‌ها، جنگ، خانواده‌های شهید و زندانیان سیاسی و با سازماندهی جنبش مطالبات و اعتراضی در محلات پیش‌رفت.

بدیهی است از میان تمام اقشار ولایت‌های زنان، کارآگاه‌ها، کارگران و سازمان‌های در میان زنان کارگر، زنان زحمتکش شهری و زنان روستایی برای ما از اولویت و اهمیت خاصی برخوردار است. در حال حاضر بیشترین صدمات مادی و معنوی متوجه این دسته از زنان میهن ما است. طبعا زمینه‌های ایجاد ارتباط با چهره‌های محبوب و کارآفرینان جذاب افکار ترقیخواهان توسط این دسته از زنان فراهم‌تر است. برای کار در میان زنان زحمتکش از میان اقشار با چهره‌های محبوب و کارآفرینان از میان خود آنان بویژه در محلات فقیرنشین روستا و شهر، کلاس‌های تربیتی می‌تواند ایجاد شود و وسیع‌ترین گروه‌های متعددی از زنان در محلات خود باشند. جلب و جذب اینگونه زنان به صفوف سازمان و جنبش دموکراتیک زنان ایران، یکی از اشکال خودبویژه سازمان‌تکری جنبش دموکراتیک زنان در شرایط کشور ما است.

کار و حرکت آگاه‌ها نه فعالین ما در محیط‌های گوناگون اجتماعی، اگر بپذیرد پیش‌پا نه شود منجر به ایجاد روابط پایدار می‌شود که بر مبنای آن می‌توان کار سازمان یافته دموکراتیک را در میان زنان بنیان گذاشت. بدین منظور فعالین زن در محیط‌های مختلف اجتماعی می‌توانند با ایجاد روابط نسبتاً مستحکم، با شناخت عناصر کارگاه و مطمئن از میان زنان، به ایجاد هسته‌های مخفی فعالین زن در محلات و محیط‌های کار رهت‌گمارند. بدیهی است به این هسته‌ها نباید هیچگونه رندت‌های سیاسی و یا سازمانی از جانب رفقای ما برده شود. این هسته‌ها می‌توانند همچون اشکالی از روابط سنتی در میان زنان که در عین حال دارای مضمون کلامی دموکراتیک است سازمان داده شود. وظیفه اساسی این هسته‌ها با لابردن سطح آگاهی زنان در زمینه حقوق و بویژه خود و ارتقای مطالبات و مبارزات اجتماعی و سیاسی آنان در جهت کسب این حقوق است. این هسته‌ها می‌توانند با تحریک لازم در شرایط و بویژه وظایف دیگری را نیز بعهده گیرند. مثلا ایجاد کمیته‌های امداد در هنگام بمباران مناطق مسکونی، ایجاد کمیته‌های رفاهی در محلات جهت بیگسختی مطالبات عمومی مردم محل نظیر برق، آب، تلفن، اسفالت و غیره... این هسته‌ها که در محصلات، کارخانه‌ها، ادارات، مدارس، دانشگاه‌ها و محیط‌های مختلف اجتماعی شکل می‌گیرند در میان وسیع‌ترین اقشار زنان مضمون واحدی را که همانا تحقق حقوق دموکراتیک آنان است، پیش‌خواه برد. این هسته‌ها که برای تحقق حقوق دموکراتیک سازمان یافته‌اند، در شرایط مناسب می‌توانند واحدهای پایه برای شکل دموکراتیک زنان عمل خواهند نمود.

بهار من

مرا به شوکت این شور عا شقانه ببر
مرا شکوفا کن!
که از طراوت این باغ، بهره‌برگیرم
مرا به آبی سرشار این ترانه ببر.
تو خوب می‌دانی
شکوه جنبش این باغ، برگ و بار من است
و هر ترانه که گل می‌کنده سینه خلق
همان، بهار من است

همیشه می‌گفتم :
طلوع روشن خورشید، انتظار من است
و هر دریچه که بر باغ پر شکوفه باز شود
سرود سبزل انگیز روزگار من است .
هلا ... دل عاشق!
به بوته، بوته این باغ شب‌گرفته‌ها
شکوه خنده خورشید را، دوباره ببین
در ازدحام عطشناک شادی مردم
هلا ... دل عاشق!
تو با تمام تپش‌های عاشقانه خود

" رضا مقصدی "

مبارزه کارگران علیه اعزام به جبهه

همزمان با کارزار تبلیغاتی وسیعی که رژیم خمینی برای جلب و اعزام نیرو به جبهه‌ها برپا داده، سبیل بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های محرمانه دولتی برای اعزام اجباری کارگران به جبهه‌ها نیز برپا شده و احدها سرزیر شده است.

نخست وزیر رژیم خمینی همه کارخانجاتی را که از بودجه عمومی دولت استفاده می‌کنند، موظف کرده است که پرسنل موردتقاضای سپاه پاسداران، اعم از کارگران متخصص و غیره را روانه جبهه‌ها کنند. طبق دستورالعمل دولت هیچ کارخانه و کارگاهی حق ندارد کارگران را در کارگاه‌های خود نگه دارد. در صورت استفاده از کارگر مشمول، باید مستقیماً مورد مواخذه قرار خواهد گرفت. در هفته‌های اخیر هجوم عوامل رژیم به کارگاه‌ها برای سرکشی و سرچشمگیری افزایش یافته است.

رژیم جنگ افروزمی بخوبی می‌داند که کارگران نه تنها داوطلبان اعزام به جبهه‌ها نیستند، بلکه به اشکال مختلف علیه جنگ و جنگ افروزان حاکم مبارزه می‌کنند. انگیزه اصلی صدور این بخشنامه‌ها فروپاشی شدن شعله اعتراض توده‌ای کارگران علیه جنگ و نیز جلب نیروی انسانی لازم برای جبهه از طریق تهدید و تطمیع کارگران است. مهمترین حربه تهدید، اخراج است. قطع نظر از تاثیر مخرب بحران اقتصادی در گسترش اخراج‌های عظیم، با ایدئولوژی‌های چپ‌گرایانه از اصولی است که اخراج توده‌ای کارگران، تا مین نیروی انسانی برای جبهه‌های جنگ است.

رژیم سال‌ها پیش کارخانی‌های را که در میانه میان توده کارگران بیکار می‌توان بختی را با حربه اجبار اقتصادی روانه بخش کارگاه‌ها کرد، توسط سبج کارگران برای اعزام به جبهه‌ها، متوجه تاسی کارگران اعزام‌شده و بیکار است. وادامه اش بیاییم بحران بسپس نیروی انسانی برای جبهه گسترده‌تری شود. در سال گذشته ۳ درصد کارگران واحد مشمول طرح "اعزام داوطلبانه" به جبهه‌ها بودند. این "سهمیه" ابتدا به ۱۰ درصد و سپس

به ۲۰ درصد رسید و اکنون، مدتی است که صحبت از افزایش آن تا ۴۰ درصد می‌آید است.

این طرح ظاهراً طرح شرکت "داوطلبانه" در جبهه‌هاست، اما از آنجا که هیچ کارگری داوطلب خودکشی نیست، طی ماه‌های اخیر به طرح اعزام اجباری کارگران بدل شده است. رژیم سپس از شکست مفتضحانه این طرح به توطئه تازه‌ای دست زده و آن "قرعه‌کشی" برای اعزام کارگران به جبهه‌هاست.

طرح قرعه‌کشی برای اعزام به جبهه‌ها نشان دهند ه شکست بخشنا به زمستان ۶۴ هیأت دولت است که تحت عنوان "ایجاد تسهیلات و تامین مزایای ویژه" برای کارگران اعزامی به جبهه، صادر شده بود. طی ماه‌های اخیر، فشار و تحقیقات اقتصادی رژیم علیه کارگران بخاطر امتناع آنها از شرکت در قرعه‌کشی بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. در کارخانجات با تشکیل "طاق جنگ"، توسط واحد بسیج سپاه، نظمی بر سازمان‌های حاکم شده و مسئولین مربوطه به کارگران می‌گویند: همان‌طور که زمینداران اسلام در جبهه‌ها شهید می‌شوند شما هم باید در اینجا تا مرز شهادت بماند. رژیم در بسیاری موارد کارگران را در شرایطی قرار داده که بین اخراج و اعزام به جبهه یکی را انتخاب کنند. مسئولین دولتی در کارخانه‌ها تا مین سازی اراک، اسامی ۷۰۰ نفر را اعلام کرده اند که برای تقیه حساب به مدیریت مراجعه کنند و همزمان با آن گفته اند ۲۰٪ از بقیه کارگران با دید به جبهه بروند و اگر نه با خرید یا اخراج خواهند شد. کارخانه شیرپاستوریزه به کارگران گفته اند با استعفا بدهید یا به جبهه بروید. در کبان تا پرا اعلام کرده اند که تا یک ماه دیگر مواد اولیه کارخانه تمام می‌شود. این وقت همه باید بروند به جبهه.

وزارت صنایع طی بخشنامه‌ای خطاب به مسئولین کارخانجات تا بعه خود تصمیم گرفته است که تا جایی که می‌تواند از ارزی در صورتی که نتوانند با استفاده از صنایع داخلی به تولید خود ادامه دهند،

کارکنان خود را به جبهه‌ها اعزام کنند. در شرکت زمزم نیز که به خاطر بحران اقتصادی رژیم، تولیدات مختل شده است، بین کارگران فرم اعلام آمادگی برای اعزام به جبهه توزیع شد، اما با وجود آنکه خطر بیکاری اکثریت کارگران این واحد را تهدید می‌کند، تنها عده معدودی حاضر شدند. فرم اعزام اجباری به جبهه توزیع شد، اما با وجود آنکه فرم اعزام شديداً اعتراض کرده و از برگردن آن امتناع کردند. کارگران بخش نسوین نکا چوب با اعتراض جمعی خود مسئولین را وادار کردند که فرم اعزام اجباری به جبهه را پس بگیرند. در بسیاری از واحدها بدنسالی امتناع بیکارچه کارگران از شرکت داوطلبانه در جنگ، رژیم اقدام به قرعه‌کشی برای اعزام اجباری کارگران نمود و این عمل بسا واکنش اعتراضی کارگران مواجه شد. در واحد ایران پولین رخت علیرغم آنکه مدیریت فشار علیه کارگران را تشدید کرد، هیچک از هزار کارگر آن داوطلب اعزام نشدند. در کارخانجات روغن سازی ایران، فیلیس، با یک بخت و قرعه زیا هیچ کارگری حاضر نشده جبهه بروند. در بانک بشون، مدیریت خواست از فیرت اسامی کارگران عده‌ای را برای اعزام انتخاب کند، اما کارگران با تهدید به اعتصاب این توطئه را خنثی کردند. در قرقه زیا نیز از انجمن اسلامی فیرت اسامی ۲۰ کارگر را برای شرکت در جنگ نوشت، اما با اعتراض شدید کارگران مواجه گردید. کارگران دروسیل سازی خاور در اعتراض به اعزام اجباری به جبهه، در محوطه کارخانه اجتماع کردند. کارگران شرکت کوما تسویه قرعه‌کشی برای جبهه شديداً اعتراض کرده و گفتند: حتی اخراج هم نمی‌تواند ما را به رفتن به جبهه وادار کند. هر چند امتناع کارگران از شرکت داوطلبانه در جنگ هر روز دامنه گسترده‌تری می‌یابد اما هنوز فاصله بسیار زیاد است. کارگران پیشرو آگاه با دید تمام نیرو در سازمان‌ها، اعتراضات برانگیزنده، اما ربه گسترش کارگران علیه اعزام اجباری به جبهه‌ها بکوشند. با دیدار به جبهه اخراج را بیش از پیش با دیدار به جبهه جنگ رژیم جنگ طلب خمینی پیوندها و پیوندها چشم توده‌های کارگران علیه جنگ و رژیم ولایت فقیه را با شعار "زنده باد صلح، مرگ بر خمینی جنگ افروز" بدست گیرند.

اقتصاد ...

برقیه از صفحه اول

ارتزخمینی به کارگاه‌های صنعتی بزرگ، صرف خرید مواد خام از خارج می‌شود. اعمال محدودیت جدید در واردات مواد خام و قطعات یدکی، که تولید اکثریت مطلق صنایع مبادان وابسته است، منجر شده و ریکسگی و تعطیل کارخانجات بسیار ریشتمندی را به همراه خواهد داشت. کارخانجات بیکار پس از دیگری به دلیل نرسیدن مواد خام و قطعات یدکی تعطیل می‌شوند. روند فوق در ماه‌های آتی بدون تردید گسترش بیشتری خواهد یافت.

برنامه رژیم برای مقابله با بحران "انتقال فشار بر بدوش زحمتکشان" که هوش شديده هزینه‌های لازم برای تهیه مایحتاج اولیه و ضروری مردم اورت بیشتر نشان است. کارگران رژیم این سیاست ضد خلقی را تاکنون به اشکال و زبانهای مختلف از جمله در "برنامه مبنی بر اقتصاد" خود اعلام داشته اند. زنجانی وزیر برناما به موجودی رژیم در یک ماهه صافه مطبوعاتی اهداف مورد نظر دولت در شرایط نوین اقتصادی را چنین اعلام داشت: "تا مین نیازهای جنگ استفاده حداکثر از امکانات کشاورزی و تا مین نیازهای معیشتی اعلام ساختار اقتصادی صنعتی و تغییر الگوی مصرف واقعیت این است که رژیم جز تا مین نیازهای جنگ و تغییر الگوی مصرف که به معنی سر باز زدن از تا مین بختی از نیازهای مردم است، هدف دیگری ندارد. اهداف مورد نظر دولت تنها شعار و برای فریب کارگران و زحمتکشان است. زنجانی در همان ماهه اعلام داشت که بر اساس برنامه نویسی اقتصادی، دولت تنها برای نیازهای جنگی و بخشی از نیازهای معیشتی مردم ارز تخمین خواهد داد. اودیگر نیازهای مردم را "نیازهای تا نویه اجتماع" خواند و تا مین از تا مین تا قدرت تولید داخلی کرد. این در شرایطی است که تولید داخلی به بنایه اعتراف خود مسئولان رژیم قادر به تا مین هیچک از نیازهای اهالی شهرها و روستاها نیست. جندی پیش وزیر صنایع سنگین رژیم به این واقعیت اشاره کرد و گفت: "همه چیز ما لان درگرو و واردات است... روزی روزی مردم هم درگرو واردات می‌باشد" (کبهان ۱۷ شهریور ۶۴).

جز دیگر برنامه مبنی بر اقتصاد "رژیم تشدید روز افزون وابستگی اقتصادی ایران به کشورهای امپریالیستی است. رژیم درمداست از طریق

سیاست حق العمل کاری و یاد دلالی، صنایع و اقتصاد کشور را بواسطه ارزانی قیمت کشورهای غربی، دست نشانده بدل کند. زنجانی فاش ساخت که "سیاست حق العمل کاری و بیا گرفتن مواد خام و قطعات و ساخت برای صادرات و تولید مشترک برای بازار سوم مورد توجه است. این تحفه رژیم خمینی، ادامه همان سیاست ضد خلقی شاه با تراپی بسیار بد و ترسناک بود. در کشورهای "برادر نظیر ترکیه است، جنبه دیگر برنامه مبنی "عبارت است از صدور نیروی انسانی. زنجانی گفت: "سیاست اعزام نیروهای متخصص به خارج از جمله محورها برنامه مبنی بر اقتصاد است. کبهان ۱۳ خرداد ۶۵. "مورنوبین" را روشن تر توضیح داده و پیشنهاد کرده است که رژیم بیکاران را به خارج از کشور بفرستد و از زرد ریاضتی منبع درآمد تا زهای برای خوددستی بکند.

"برنامه" رژیم برای غارت زحمتکشان، به مین جای پایان نمی پذیرد. رژیم برای رها بگوییان خود از جنگ بحران و تا مین هزینه‌های جنگ و فریب ساختن شکر سرمایه داران و خونه‌های حکومتی، برنامه‌های وسیع تری دارد که "سیاست مالیاتی" جزء مهم آنرا تشکیل می‌دهد. حکومت در سال گذشته بالغ بر ۱۰۰ میلیارد تومان مالیات (یعنی بطور متوسط زهرنفر عام از کوچک و بزرگ ۲۵۰۰ تومان) از یک خانواد ۴ نفری بیش از ده هزار تومان مالیات دریافت کرد. و این ۱۴٪ بیش از سال ۶۳ بود. در بودجه سال این رقم را به ۲۸ میلیارد تومان افزایش داده اند. اما آخوندهای حکومتی و "برادران" بازارشان جیبهای خالی دارند و هنوز بیشتر می‌خواهند. محمدجواد بیروانی وزیر امور اقتصادی و دارایی رژیم در "میترا مالیاتی" کشور "که به منظور برطرف کردن فقر مردم تشکیل شده بود، گفت: "حداقل ۸۰ تا ۹۰ درصد بودجه جاری با بستی از محل مالیاتها تا مین نشود".

هرگاه به توه کنیم که در سال ۶۴ این رقم تنها ۳۹٪ بوده است. آنکا ششای سیری نا پذیر حکومت اسلامی بیشتر معلوم می‌شود. فشار مالیاتها بر بدوش زحمتکشان است. سرمایه داران با هزاران کلسک از زیر پای مالیات می‌گریزند و رژیم سرمایه داران نیز بر این دوزخ کلسکها چشم فرو می بندد. در سال ۶۴ از ۱۵۳ میلیارد مالیات سهم سرمایه داران فقط ۳ میلیارد ردهوده است.

گسترش بحران و ریکسگی صنایع، کاهش

تولیدات، و سیاستهای خاشنا نه رژیم درجهست انتقال فشار بر کمرشکن به مردم به فقر و فلاکت عظیم مردم انجامیده است. بیکاری و خطر اخراج زندگم را بر میلیونها تن از زحمتکشان مینهن مانگ کرد. است. منابع رسمی رژیم از تعداد بیکاران آمار واقعی بدست نمی دهند. سال گذشته بهزاد نسوی وزیر صنایع سنگین، تعداد بیکاران کشور را از قول سرپرست سازمان برناما به وجود ۶ میلیون نفر اعلام کرد (اطلاعات ۲۲ فروردین ۶۴). روزنامه کبهان تنها بیکاران آنکا رفرور ۳ میلیون نفر قدر کرده است. (۱۳ خرداد ۶۵). این ارقام بسیار نگران د فاجعه آمیز این تحفه رژیم سرمایه داری و ارتجاعی خمینی است. اکنون حداقل بین ۴۰ تا ۵۰ درصد نیروی کار فعال کشور بیکار رویا در مشاغل خانه‌ای مشغولند. بر این سپاه آشوب روز بروز افسانه می‌شود. کارگران قریباً نیا درجه اول بیکاری هستند. بدلیل تعطیل کارخانجات و کاهش تولید و سودجویی سرمایه داران، هر روز گروه گروه و دسته دسته کارگران را از کارخانجات بیرون می‌برند. در همین شرایط صنایع که چندی پیش درگروان برگزار شد، اعلام شده در سال جاری خطر بیکاری ۳ میلیون تن دیگر وجود دارد. وزیر صنایع سنگین رژیم در دیدار با کارخانه داران کشور، بیکار وجود سیاست دولت برای مقابله با بحران را اخراج بدسته جمعی کارگران و کاهش تعداد "نان خورها" اعلام کرد.

بیکاری، گرسنگی، بدنسالی دارد. فقر کمبود کالا، گرانای سرمایه و رقیمتها، تورم فزاینده و نتایج ناشی از بحران اقتصادی و غارتگرانه سرمایه داران و تجار است. قدرت خرید مردم روز بروز کمتر و کالاهای روز بروز گرانتر می‌شود. سیاست عدم تا مین نیازها معیشتی مردم که به بهانه کمبود ارز از طرف دولت در پیش گرفته شده است خطر گرسنگی را برای زحمتکشان بیش از پیش تشدید کرده است. رژیم نه تنها قدمی در جهت نجات زندگی مردم از جنگال و فقر و گرسنگی و بیکاری بر نمی‌دارد، بلکه روز بروز آنرا تشدید می‌کند. دست اندرکاران رژیم با مظهره در مورد "تغییر الگوی مصرف" و شعارهای مشابه از مردمی طلبند که خاموش باشند، دم برنیا روند، کمربندها را سفت تر کنند و خود را به خوردن "نان پخته" عادت دهند.

افراشته باد پرچم رزم کارگران و رنجبران!

درگذشت رفیق له دوان، رهبر نامدار ویتنام

رفیق له دوان دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست نامدار، انترناسیونالیست بیگسیر و هم‌رزم نزدیک هوشی مین هشتم تیرماه در سن ۷۹ سالگی درگذشت.

رفیق له دوان زندگی سراسر رزم و افتخار خود را وقف خدمت به خلق و آرمانهای والای انقلاب ویتنام کرد، و برجسته‌ترین نماینده آن نسل از انقلابیون ویتنامی بود که مبارزه پیروزمانده به خلق تحسنت ستم ویتنام علیه استعمار و ارتجاعوا میریالیسم را رهبری و به سرانجام رساندند.

رفیق له دوان چه در دوره مبارزه علیه استعمار و چه در دوران استقلال و آزادی پایدار خدمات ستروکی به خلق ویتنام کرد. او در طراحی سیاست خارجی حزب که بیسابقه کننده خواست خلق ویتنام برای زندگی صلح‌آمیز و صلح‌تمندانه است سهم برجسته‌ای برعهده داشته است. تحکیم روابط برادرانه خلق‌های هندوچین در راه مبارزه مشترک برای صلح و امنیت در منطقه جنوب شرقی آسیا مورد توجه جدی او قرار داشت. مردم ویتنام می‌سوال نبرد قهرمانانه و حماسی خود ابتدای استعمارگران فرانسوی را از ویتنام بیرون ریخته و نیمه شمالی ویتنام را آزاد ساختند و سپس طی جنگ دراز مدت دیگری که در آن عزم و اراده پولادین خلق ویتنام تحت رهبری حزب کمونیست و رهبران برجسته‌ای چون هوشی مین و له دوان به اوج خود رسیده بود، با درهم شکستن ماشین جنگی

امپریالیسم آمریکا در ویتنام، نیمه جنوبی میهن را نیز برای همیشه از چنگ امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران خارج ساختند. حماسه نبرد خلق ویتنام علیه امپریالیسم و ارتجاع است. شکست مغضبان آمریکا در ویتنام تا شیرعینی برآذغان زحمتکشان آمریکا و دیگر کشورهای سرمایه‌داری و بویژه خلقهای تحت سلطه سرانجهان باقی گذاشت.

مبارزه حماسی مردم ویتنام و پیروزیهای آن در تمام مراحل انقلاب و از جمله مرحله ساختن سوسیالیسم به خوبی نقش عظیم و تعیین کننده حزب کمونیست، حزبی که مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری رهنمون عمل آن است و نشان می‌دهد، رفیق له دوان مدت‌هاست که در مقام دبیر اولی کمیته مرکزی این حزب قرار داشت.

درگذشت رفیق له دوان هم‌رزم بزرگ هوشی مین و روزمنده‌اشی نا پذیر راه رهایی ملی و اجتماعی سوسیالیسم را به بزرگی برای زحمتکشان ویتنام و همه کمونیست‌ها جهان است. رفیق له دوان طی دهها سال مبارزه سرسخت علیه ارتجاعوا میریالیسم کارنامه‌ای زین و پرافتخار را زود بخوابی گذاشته است که ما به یاد داریم و غرور و همه کمونیست‌هاست. مساکمونیست‌های ایرانی نیز از کار سیاسی و شورشی و تجربه غنی حزب کمونیست ویتنام و رفیق له دوان و رزم پیروزمانده و حماسه آفرین خلق قهرمان ویتنام و درسا و تجارب گرانقدر آن موخته ایسم. در تلگرام تسلیت کمیته مرکزی سازمان ما به کمیته

مرکزی حزب کمونیست ویتنام آمده است: دهها سال مبارزه سرسخت و بی‌پیکری علیه امپریالیسم بخاطر برقراری صلح و صلح‌تمندان سوسیالیسم برکهای زرین کارنامه انقلابی، رفیق له دوان، ما به افتخار و انهام همه کمونیست‌های سرانجهان است. تحت رهبری رفیق فقیه له دوان و حزب کمونیست، خلق ویتنام و ستایش بیکرانی نشاندند آن پیروز شده و اقدام و ستایش بیکرانی را در اندیشه و احساس میلیاردها مردم زحمتکشان و ستم دیده دنیا شایسته به کشور مردم شما پدید آورده است.

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) درگذشت رفیق له دوان دبیرکل حزب کمونیست ویتنام را به کمیته مرکزی و هم‌رزم زحمتکشان ویتنام تسلیت می‌گوید و اطمینان دارد که آرمانهای والای رفیق له دوان برای سعادت مردم و ترقی جامعه ویتنام سوسیالیستی توسط مردم، دولت و حزب کمونیست ویتنام تحقق کامل خواهد یافت.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام رفیق ترون شین هم‌رزم برجسته هوشی مین را به دبیر کلی کمیته مرکزی برگزید. کمیته مرکزی سازمان ما طی تلگرامی گزینش رفیق ترون شین را تبریک گفت و اعلام داشت: "ما اطمینان داریم که خلق قهرمان ویتنام تحت رهبری حزب کمونیست و شما در راه شکوفایی هرچه بیشتر جامعه سوسیالیستی به موفقیت‌های فزاینده‌ای نائل می‌آید."

آخرین قدا میر آمریکا علیه صلح

در خرداد ماه سال جاری ریگان اعلام داشت که این کشور قصد ندارد آینده تعهدات مندرج در اسناد بنیام اتحاد شوروی و آمریکا در باره محدود کردن سلاحهای استراتژیکی تنها جمعی (سال ۲) را مراعات نماید. قابل ذکر است که در سال ۱۹۷۲ موافقتنامه موقت محدودیت مسابقه تسلیحاتی و بیسابقه دفاع ضد موشکی (سال ۱) میان اتحاد شوروی و آمریکا منعقد گردید. در سال ۱۹۷۹ نیز بیسابقه مربوط به محدودیت سلاحهای هسته‌ای استراتژیکی (سال ۲) به امضاء رسید. این بیسابقه‌ها تاکنون مانع عمده‌ای برای امپریالیسم آمریکا در راه توسعه مسابقه تسلیحاتی بوده است. تصمیم یک جانبه اخیر ریگان برای لغو بیسابقه سال ۲ " نشانگر آن است که میلیتاریسم آمریکا خط مشی آشکارا از میان برداشتن آخرین سدا واقعی در راه محدود کردن مسابقه تسلیحاتی و توسعه سلاحهای کشتار جمعی را در پیش گرفته است. دولت ریگان نا لبته بیش از این نیز به نقض خود سرانه و فاحش تعهدات خود در بیسابقه مذكور مشغول بوده است. استخراموشکهای بالستیک پریشنگ ۲ و موشکهای بالدار دور برد آمریکا در اروپای غربی سی سالهای گذشته، ناقض قرار داد سال ۲ بوده است. مطابق بیسابقه گذشته تعهدات اشتد از هر نوع اقدامی که منجر به نقض بیسابقه استراتژیکی ناشی از بیسابقه سال ۲ باشد خودداری کنند. لیکن استقرار این موشکها علیه سلاحهای استراتژیکی بوده و از اراضی اتحاد شوروی را هدف گرفته اند، مستقیماً ناقض بیسابقه مذكور است. همچنین برنامه " جنگ ستارگان" ریگان که خود آنرا دفاع علیه استراتژیکی می‌خواند در جهت کشتارند مسابقه تسلیحاتی به فضای کیهانی است نیز ناقض محتوای اساسی بیسابقه دفاع ضد موشکی سال ۱۹۷۲ است. گذشته از اینها امپریالیسم آمریکا با برآوردن ختن هیاهو حول وحوش راه‌های موهوم در اتحاد شوروی که گویا برای سیستمهای دفاع ضد موشکی منظور شده است، مراکز بزرگ راداری در اراضی خود و از آن مستقر می‌کند. هم‌اکنون اقدامات کارکنان دولت آمریکا در حالی صورت می‌گیرد که اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی بر اساس خط مشی صلح‌خواهانه شان با تمام قوا برای حفظ صلح جهانی و نجات بشریت از خطر نابودی تلاش می‌کنند. اتحاد شوروی همواره مبتکر پیشنها دهها اقدامات جدیدی در زمینه جلوگیری از گسترش مسابقه تسلیحاتی بوده است.

اجلاس مشورتی سران بیسابقه و روشودرا و او خرداد ماه گذشته، پیشنها دهایی بسیار زنده و برپا شده همه جانبه‌ای در این رابطه را به ناموده است. اجلاس مزبور ضرورت فعالیت بیگسیر و ستاد بیسابقه است. بیسابقه سال ۱۹۷۲ را با پایبندی به مسابقه تسلیحاتی، دستیابی به خلع سلاح واقعی و تضمین صلح جهانی را مورد

تا کید قرار داد. این اجلاس پشتیبانی قاطع خود را از برنامهمحوکامل سلاحهای هسته‌ای و دیگر سلاحهای کشتار همگانی که توسط اتحاد شوروی مطرح شده است، انرا ز نمود. شرکت کنندگان در اجلاس کشورهای بیسابقه شاورافراخوانندند تا بیسابقه قطع آزمایشهای سلاحهای هسته‌ای اعلام شده از جانب اتحاد شوروی بیبوندند و نیز خواهان آغاز نبرد رنگ مذاکرات در مورد منع کامل آزمایشات هسته‌ای شدند. سران بیسابقه و روشوا تا کید بر پیشنها دمجواکامل موشکهای برد متوسط طرفین در اروپا با پیوستن خود را به قراردادهای مربوط به محدود کردن تسلیحات استراتژیکی مجدداً اعلام نوده، و عقب‌خطرانک برنامهم جنگ ستارگان را هشدار دادند.

دولت شرکت کننده در بیسابقه و روشوا طرح بیسابقه مساله کم‌ضروری است یا این دادن مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای و موشکهای کشتار همگانی با کاهش جدی نیروهای مسلح و تسلیحات معمولی طرفین همراهم گردد، پیشنها دات شخصی بدین منظور به کشورهای اروپای غربی ارائه دادند. مطابق این پیشنها دات نیروهای زمینی و هوایی بیسابقه‌ها ضربه‌ای تاکتیکی دوطرف با پدید نسبت ۲۵ درصد کاهش با بدو بیسابقه آمریکا کاهش کلاهکهای هسته‌ای در سراسر اروپا و از اقیانوس اطلس تا اورال همراه گردد. در این پیشنها دات آمده است که کلاهکهای هسته‌ای بر پیچیده شده یا بدو یا شوشونید و نیز چو نه‌اشی از کلاهکهای نیروهای مسلح و تسلیحات دوطرف نباید صرف تولید انواع جدید سلاحها و یا دیگر کلاهکهای نظامی گردد. در اعلامیه‌های جلسه شاره سران بیسابقه و روشوا اظهار شد که پیشنها داتها به سران نا تومینی بر انعقاد قرار داد در باره عدم توسل به زور و حفظ روابط صلح آمیز بین دول همچنان به بقوت خود باقی است و نیز با رد دیگر پیشنها دمربوط به تحلیل همزمان هر دو بیسابقه و روشونا تو مورد تا کید قرار گرفت. در چنین شرایطی که آمریکا و دول نا تومینان سیاستها " به مشقت هسته‌ای را جهت دستیابی به برتری استراتژیکی در پیش گرفته و تشنج زدایی و خلع سلاح را تهدید می‌کنند، خود بی شکارند. کشورهای سوسیالیستی بیگسیرانه برای حفظ و تحکیم صلح جهانی تلاش می‌ورزند. سوسیالیسم بنا به ما بدون خودخواهان جهانی امن برای همگان، جهان بدون اسلحه و بدون جنگ و خونریزی است و در این راه شرافتمندانه و انسانی از پیشنها بی فعال همه نیروهای صلح دوست جهان برخوردار است.

بیاد رفیق مرتضی میثمی

"بروند، بروند
کشند آوازخوان ما را
اینک خوشی، سرودت هیستان
خوشی، ترانه گولی‌ها
شعرا مدادان
خوش‌آشفشانی که در زمین شگاف می‌ندازد"

دو سال پیش در مرداد ۶۳۵، دست درگرمای گرم تعقیب دستگیری رهبران و کارهای سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) توسط گراژهای جمهوری اسلامی، خیر آمد که مرتضی میثمی کسان برجسته سازمان در شکنجه‌گاه‌ها وین به شهادت رسید. پس از آن نیز دو خیمان خمینی عده دیگری از رهبران و کارهای سازمان را در زندانهای شورش‌کنجه‌گاهها کشتند. آنچه که رژیم خمینی را به هراس وامی‌داشت تا به چنین جنایاتی دست بزند، ترس مرگ او و شاز قیامت انقلابی رزمندگان فدایی بود. رژیم تلاش داشت تا با دستگیری، شکنجه و کشتار رفقای مسائلیات سازمان را از میان بردارد و ختن در تشکیلات مردمی بنیادند.

اما زندگی در این دوره کوتاه نیز نشان داد که این تلاش‌ها تا چه حد بی‌فایده و عبث بوده است. روشند و گسترش مبارزات مردم، نقض قاطع فداییان خلق در این مبارزات و نفوذ و اعتبار سازمان مادرمیان مردم زحمتکشان ایران گواهی روشن بر شکست اهداف رژیم است. امروز به‌سبب ای با برمدی و خون ایسین شهیدان و دلآوری و ستواری رهروان نشان یعنی شامی فداییان خلق، پرچم افتخار سازمان ما در بلندای شکوه مندرتی در اهتر ازا است. فداییان خلق با همان اعتق که این شهیدان به راه طبقه کارگر داشتند، در راه استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم مبارزه می‌کنند. با همان اعتقاد که آنها داشتند پرچم رزمشان را تا آخرین لحظه حیات خود برافراشته نگه‌خواهند داشت و تا پیروزی قطعی و نهایی یعنی استقرار سوسیالیسم در میهن مان به پیش خواهند برد.

مردم ما برای استقلال و آزادی هزاران کشته و قربانی داده اند و بی‌گناهی‌ها تا پیروزی نشایی هنوز هم قربانیان بی شماری خواهند داد. تا ریبخ پرافتخار کمونیست‌های ایرانی تنها به امروز قهرمانان کبیری را به جنبش مردم ایران تقدیم داشته است که پیگیری برجسته‌ترین مبارزان راه سعادت مردم میهن‌شان بوده اند.

مرتضی میثمی، ویران شهیدش در وجود سازمان نشان در دل تک‌تک فداییان و در قلب هر انسان آگاه هم که داد را از بیجا و طوطی را از خد خلق بازمی‌شناسد، زنده اند. همانگونه که حافظ سروده است:

بعد از وفات، تربیت ما در زمین محوی
در سینه‌های مردم عارف، مزار است

پیروز یاد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

تدرس:	PI-10
آدریش:	1091 WIEN AUSTRIA
حساب بانکی:	AUSTRIA - WIEN BAWAG NR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD ARTNER